

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۰۶ جنوری ۲۰۲۱

## شیرین نجفی و پرستوهای جمهوری اسلامی ایران!

امروز سه‌شنبه ۱۶ دی ۱۳۹۹، سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران در سی و هفتمین نشست خبری خود در ارتباط با «پرونده روح‌الله زم» و برخی افراد مرتبط با این پرونده در داخل کشور از جمله «شیرین نجفی»، گفت او در ایران است و از طرف دادگاه برایش حکم صادر شده که این حکم در مرحله تجدیدنظر خواهی است.

ماجرای پرستوها در هفته‌های اخیر بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاده است. پرونده یک آدم‌ربائی، آن‌ها را خبرساز کرده است. پیش از این اما بارها نام پرستوها خبرساز شده بود. زنانی که گاهی متهم می‌شوند به مأموریت پرستوها. اما وقتی پرونده‌ها خبرساز می‌شود، دم و دستگاه اطلاعاتی و امنیتی و قضائی جمهوری اسلامی بسیج می‌شوند تا ماجرا را پرده‌پوشی و یا منحرف سازند و به افکار عمومی جامعه آدرس غلط بدهند.

به دام انداختن فعالین سیاسی و فرهنگی و رسانه‌ای که جمهوری اسلامی به نحوی برای خود خطرناک می‌داند با شیوه‌هایی مشابه یا با تطمیع به دست جمهوری اسلامی ایران افتاده‌اند.

اخیرا در پی عملیات پولیس ترکیه علیه باندها و جاسوسان ایرانی در ترکیه، ۱۵ نفر دستگیر شدند. آیا «شیرین نجفی»، فردی که در دستگیری روح‌الله زم مدیر کانال آمد نیوز نقش موثری داشت، جزو این بازداشت‌شدگان بود و یا مانند رئیس باند توانست به ایران فرار کند؟

بنا بر گزارش منابع خبری آراز نیوز در پی عملیات پولیس ترکیه علیه کلاهداران مالی و جاسوسان ایرانی در شهر انقره، «شیرین نجفی»، فردی که در دستگیری روح‌الله زم مدیر کانال آمد نیوز نقش موثری داشت، بازداشت شد.

بنا به همین گزارش شیرین نجفی یکی از اعضای باند جاسوسی و پول‌شویی تحت حمایت سپاه در انقره بود. چند روز پیش نیز مجید نوظهور از عوامل اطلاعاتی سپاه پاسداران در انقره بازداشت شد.



آراز نیوز می‌افزاید: برخی از عناصر اطلاعاتی یا خود فروخته مرتبط با سفارت ایران در انقره که با عنوان پرستو شناخته می‌شوند در بین اپوزیسیون و رسانه‌های فارسی‌زبان در حال فعالیت هستند.

شیرین نجفی علاوه بر ارتباط با وحید حقانیان و انتقال اخبار محرمانه از طرف وی برای انتشار در آمدنیوز، اقدام به تشکیل باندهای کلاهبرداری کرده بود.

برخی اخبار و اظهارات از سوء استفاده جنسی این باند از دختران و زنان ایرانی که در غربت گرفتار شده بودند حکایت دارد.

بابک شاهد دانشجوی دکترای تاریخ دانشگاه ٹیلدیریم بایزید انقره در رشته توثیقی نوشت: خبرنگار ایران وایر آقای پرویز یاری نیز در تماس با پولیس امنیت ترکیه خیر بازداشت شیرین نجفی در انقره را تأیید نمود. بنا به اذعان ایشان خانم نجفی با کارت شناسایی و هویت جعلی در ترکیه ساکن بود. در روزهای گذشته مجید نوظهور، امیر آستان، علی مهربان، سینا ابراهیم اوغلو، مجتبی شمس‌پور، محمد اکبری، فهیمه صفری از جمله افرادی بودند که طی این عملیات دستگیر شده بودند. بنا به ادعای این منابع خبری این افراد علاوه بر پول‌شویی به نفع سپاه پاسداران اقدام به تهدید فعالین سیاسی و مدنی ساکن در ترکیه نیز می‌نمودند و بنا به گمانه‌زنی‌های خبرها منتشر شده احتمال گسترده شدن این عملیات به دیگر شهرهای ترکیه نیز وجود دارد. بنا به ادعای برخی از منابع خبری در انقره در دومین روز عملیات پولیس ترکیه بر علیه شبکه مالی-امنیتی مرتبط با ایران در انقره امروز خانم شیرین نجفی از سوی پولیس امنیت ترکیه دستگیر شد.

اکنون سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران امروز سه‌شنبه ۱۶ دی ۱۳۹۹، در سی و هفتمین نشست خبری خود در ارتباط با «پرونده روح‌الله زم» و برخی افراد مرتبط با این پرونده در داخل کشور از جمله «شیرین نجفی»، گفت او در ایران است و از طرف دادگاه برایش حکم صادر شده که این حکم در مرحله تجدیدنظر خواهی است. شیرین نجفی پس از بازداشت زم چند نوبت با رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران گفت‌وگو داشت اما پس از مدتی ناپدید شد و امکان دسترسی به او از بین رفت.

به این ترتیب به نظر می‌رسد قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران در تلاش است تا با دادن آدرس غلط به جامعه، این عنصر اطلاعاتی خودشان را حفظ کند.

یکی از روش‌های امنیتی - اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران از جمله به تله انداختن مخالفین خود به روش‌های مختلف در کشورهای منطقه و انتقال آن‌ها به داخل ایران است. احتمالاً مقامات جمهوری اسلامی ایران بر این تصور اند که این روش بهای کمتری دارد تا ترور آن‌ها در خاک یک کشور دیگر.

در استراتژی Honeypot یا ظرف عسل، برخی حفره‌های امنیتی، اطلاعاتی یا رسانه‌ای - خبری، به منظور اجرای اهدافی خاص، موقتاً باز گذاشته می‌شوند. در حقیقت Honeypot را می‌توان به عنوان یک تله توصیف کرد که برای تشخیص هرگونه تلاش غیر مجاز و نادرست به منظور استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی و رسانه‌ای به کار گرفته می‌شود. هدف اصلی از این طراحی، تشخیص و یادگیری و سپس بهره‌گیری از رسانه‌های داخلی و بیرونی برای کسب اطلاعات و اشراف بیش‌تر بر فعالیت‌های مخالفین است.

پرستو یا گنجشک که از نام‌های شناخته شده در دنیای جاسوسی است به «طعمه جنسی» یا «جاسوس زنی» گفته می‌شود که از سوی یک دستگاه اطلاعاتی برای به تله انداختن یک مرد مأموریت پیدا می‌کند. این پرستو می‌تواند خود مأمور زبده امنیتی باشد یا زنی اغواگر - یا حتی معشوقه مرد هدف - که توسط دستگاه امنیتی شناسائی و به کار گرفته شده باشد.

روح‌الله زم تنها نمونه‌ای از این آدم‌بائی‌های جمهوری اسلامی است که ۲۲ مهرماه ۱۳۹۸ با توجه به آنچه «فریب اطلاعاتی» اعلام شد، در عراق بازداشت و به ایران بازگردانده شد و ۴۲۵ روز بعد، بامداد ۲۲ آذرماه ۱۳۹۹ اعدام شد.

استفاده از این روش در خارج کشور و تهدید و دستگیری و زندانی کردن منتقدین و مخالفین در داخل کشور، به ویژه سرکوب و حشیانه اعتراض‌ها مردمی در دوره ریاست جمهوری شیخ حسن روحانی افزایش یافته است.

در روزهای پس از ربوده شدن روح‌الله زم در عراق برخی از دوستان و همکاران او، شیرین نجفی را به همکاری با نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در پروسه ربایش او متهم کرده بودند.

با وجود این‌که شیرین نجفی در ماه‌های پس از ربوده شدن زم، مدعی شد در دعوت کردن مدیر آمدنیوز به عراق و زمینه‌چینی برای ربایش او توسط مأموران سپاه پاسداران هیچ نقشی نداشته، یکی از دوستان خانوادگی و همکاران نزدیک روح‌الله زم که در گفت‌وگو با رسانه‌ها، به نام «مازیار» معرفی می‌شود، معتقد است نجفی یکی از مهره‌های اصلی برای ربایش زم بوده است.

شیرین نجفی پس از بازداشت زم چند نوبت با رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران گفت‌وگو داشت. او اما پس از چند روز ناپدید شد.

مازیار پیش‌تر در همین زمینه گفته بود:

«شیرین نجفی تصویر میلیون‌ها یورو پول نقد در قطعات ۵۰۰ یورویی را از طریق واتس‌اپ به روح‌الله زم نشان داده و گفته بود خودش قادر به انتقال آن نیست و آقای زم باید شخصا به عراق برود و انتقال پول را بر عهده بگیرد.»

مازیار همچنین گفته بود شیرین نجفی خود از عراق برای روح‌الله زم بلیت «فرست کلاس» هواپیما گرفته و ظاهراً هتل بسیار مجللی را هم در نجف برای او رزرو کرده بودند و قرار بوده با «مشاوران نزدیک آیت‌الله علی سیستانی برای برپائی یک تلویزیون قرارداد ببندد.»

از سوی دیگر تنها چند روز پس از ربایش زم در عراق، وقتی شیرین نجفی در یک برنامه تلویزیونی به‌صورت زنده ظاهر، با وجود این‌که کارشناس برنامه از او خواست دوربین را بچرخاند تا ببیندگان درباره مکان او مطمئن شوند، نجفی از انجام این درخواست خودداری کرد.

نجفی که در سال‌های گذشته در ترکیه به سر برده بود، در روزهای پس از ربایش زم ادعا کرده بود از این کشور به کشور دیگری رفته است.

همکاران روح‌الله زم گفته‌اند که شیرین نجفی در زمان همکاری با آمدنیوز و هنگامی که در مقام ادمین فعالیت می‌کرده نیز چند روزی ناپدید شده است اما به محض این‌که آنان امکان دسترسی را از او گرفته‌اند، بازگشته و غیبت خود را توجیه کرده است.

برخی این گمان را مطرح کرده‌اند که او در همین زمان توسط نهادهای امنیتی ربوده و بازداشت شده و برای همکاری در به دام انداختن روح‌الله زم تحت فشار قرار گرفته است.

سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران روز سه‌شنبه ۱۶ دی ۱۳۹۹، در این نشست خبری همچنین از صدور احکام حبس «دو تا ۱۰ سال» برای شش نفر دیگر از متهمان پرونده روح‌الله زم، موسس و مدیر سایت و کانال تلگرامی «آمدنیوز» خبر داد و گفت:

«این پرونده به اتمام نرسیده و اخیراً از ناحیه دادگاه بعد از صدور کیفرخواست در مورد شش نفر دیگر از متهمان این پرونده حکم صادر شده است.»

به گفته سخنگوی قوه قضائیه، جلسه دادگاه یکی دیگر از متهمان پرونده روح‌الله زم، هفته آینده برگزار خواهد شد. روح‌الله زم، خبرنگار و موسس سایت و کانال تلگرامی آمنیوز بود که روز ۲۲ مهر ۱۳۹۸ توسط نیروهای سپاه پاسداران از عراق ربوده شد و به دنبال برگزاری چند جلسه دادگاه و در یک روند دادرسی ناعادلانه، به اعدام محکوم شد.

حکم اعدام صادر شده علیه این زندانی سیاسی سحرگاه روز شنبه ۲۲ آذر ماه به اجرا درآمد. در دوره ریاست جمهوری شیخ حسن روحانی ترور و رایش فعالین سیاسی مخالف جمهوری اسلامی در خارج افزایش یافته و در داخل نیز سانسور و سرکوب و اختناق و اعدام به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. حسن روحانی، نخستین کسی بود که اکبر هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۸ به او پیشنهاد داد وزیر اطلاعات شود. علت این پیشنهاد، شاید بیشتر از سوابق امنیتی در تصفیه‌های ارتش و مذاکرات مک فارلین، به این بر می‌گشت که حسن روحانی در سال ۱۳۶۲، در سمت نماینده مجلس، مسؤول کمیسیون تدوین «قانون تاسیس وزارت اطلاعات» بود. روحانی اما پیشنهاد وزارت اطلاعات را نپذیرفت و به جای آن به عنوان نماینده آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، برای تاسیس نهاد امنیتی دیگری قدم پیش گذاشت: شورای عالی امنیت ملی. در تمام آن سال‌هایی که جمهوری اسلامی با رسوائی مداخله نهادی امنیتی نظام در «ترور» فعالان سیاسی خارج کشور همچون ماجرا میکونوس و قتل‌های زنجیره‌ای روشنفکران دست و پنجه نرم می‌کرد، روحانی برای ۱۶ سال دبیر شورای عالی امنیت ملی ماند.

با توجه به چنین سابقه‌ای بود که وقتی او در سال ۱۳۹۲ به ریاست جمهوری رسید، انتظارات گسترده‌ای برای اصلاحات و سازماندهی و تقویت دوباره وزارت اطلاعاتی مطرح شد. به ویژه آن‌که در دوران احمدی‌نژاد کشمکش‌ها و تصفیه‌های درون وزارت و شایعات بیرون کشیدن اطلاعات محرمانه سران نظام، این وزارتخانه را با بحران مواجه کرده بود. بنابراین بی‌جهت نبود که در این دوره یعنی در دوره ریاست جمهوری اسلامی وزارت اطلاعات در داخل و خارج کشور در جهت تهدید و ترور و آدم‌ربائی فعال‌تر عمل کرده است.

چگونگی به دام انداختن فعالین سیاسی و رسانه‌ای در خارج کشور را با نمونه تلاش‌های شیرین نجفی که احتمالاً یکی از مأمورین زبده و با تجربه و حرفه‌ای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران است به بحث و بررسی در این مورد ادامه می‌دهیم. به خصوص نمونه ربودن و اعدام زم و نقش شیرین نجفی و اخیراً نیز ربودن «حبیب اسبود» فعال سیاسی خوزستانی با استفاده از زن و یا دوست دختر سابقش نشان می‌دهند که «پرستو»‌های وزارت اطلاعات نیز علنی‌تر و فعال‌تر از گذشته وارد صحنه ترور و آدم‌ربائی شده‌اند.



«شیرین نجفی» ادمین شبکه «آمد نیوز» یکی از چهره‌هایی است که پس از دستگیری روح‌الله زم زیاد از او صحبت می‌شود. برخی گفته‌اند او عامل نفوذی سپاه برای کشاندن زم به عراق بوده و برخی معتقدند او ربطی به این ماجرا نداشته است. شیرین نجفی با نام مستعار «سودابه خرسند» نیز فعالیت می‌کرده است.

در اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درباره بازداشت روح‌الله زم آمده است: نام‌برده به رغم این‌که تحت هدایت سرویس اطلاعاتی فرانسه و حمایت و پشتیبانی سرویس‌های اطلاعاتی امریکا و رژیم صهیونیستی و مرتبط با سایر سرویس‌های اطلاعاتی قرار داشت و به صورت شبانه روزی با روش‌های پیدا و پنهان و در پوشش‌های گوناگون و چند لایه‌ای مورد حفاظت قرار می‌گرفت، در دام فرزندان ملت ایران در سازمان اطلاعات سپاه افتاد.

برنامه ۲۰:۳۰ تلویزیون، فیلم کوتاهی درباره بازداشت و اظهارات روح‌الله زم، مدیر سایت «آمدنیوز» منتشر کرد. در این ویدئوی ۹۰ ثانیه‌ای، زم در حالی که چشم بند دارد، داخل یک خودرو به محلی نامشخص برده می‌شد. او همچنین در اظهاراتی کوتاه و خلاصه‌شده گفت از رفتارهای رسانه‌های اش در سال‌های اخیر پشیمان است و «عذرخواهی» می‌کند. او در ادامه از نظام هم عذرخواهی کرد. زم در این ویدئو همچنین تاکید کرد که اعتمادش به کشور فرانسه که قرار بوده از او محافظت کنند، اشتباه بوده است. او گفت: «اعتماد کردن به کشورهایی مثل امریکا، فرانسه، عربستان، اسرائیل و ترکیه که نشان می‌دهند رابطه خوبی با جمهوری اسلامی ندارند، اشتباه است.»

درباره چگونگی دستگیری روح‌الله زم روایت‌های مختلفی بیان شده است. هر کس در حد اطلاعات و آشنائی تجربه خود از وی، روایتی را ساخته است. از جمله بعضی اکانت‌های اصول‌گرا در توئیتر که مدعی ارتباط با نهادهای امنیتی هستند، همان روز بازداشت زم خبر دادند فردی دیگر به نام شیرین نجفی نیز با روح‌الله زم بازداشت شده است، بعد گفته شد شیرین نجفی در کشوری دیگر است؛ کشوری نامشخص که البته هنوز هم معلوم نیست کجاست.

نکته جالب، اما اختلاف نظر شدید بر سر هویت شیرین نجفی است، کسانی که در این باره بحث کرده‌اند، نسبت به هویت او و همچنین این‌که آیا او بازداشت شده و عامل نفوذی اطلاعات سپاه بوده یا خیر، اختلاف نظر دارند.

برخی گفته‌اند روح‌الله زم فریب شیرین نجفی (نیروی نفوذی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی) را خورده و به عراق آمده است. برخی می‌گویند روح‌الله زم به او اعتماد کامل داشته و فریب از سمت دیگری بوده است.

چند شبکه فارسی زبان درباره شیرین نجفی یا سودابه خرسند گفته‌اند او یک ماه پیش در ترکیه بازداشت و به ایران منتقل شده است و ارتباط او با روح‌الله زم از ایران انجام می‌شده است. استناد آن‌ها به خبر سایت مشرق نیوز درباره دستگیری شیرین نجفی بوده که گویا ۶ ساعت پس از انتشار پاک می‌شود.

استدلال دیگر این بوده که شیرین نجفی ۲۴ ساعته در تلگرام آنلاین بوده و این موضوع به آن معناست که تلفن او به صورت شیفت‌بندی در اختیار اطلاعات سپاه بوده چون به صورت طبیعی یک فرد نمی‌تواند ۲۴ ساعت در روز بیدار باشد. مخالفان نیز گفته‌اند اطلاعات سپاه وقتی چنین عملیات بزرگی انجام می‌دهد، حتماً این نکات ریز را می‌داند که توانسته زم را به عراق بکشد.

یکی از کاربران توئیتر به نقل از مازیار دوست روح‌الله زم و مدیر مالی آمدنیوز گفته یکی از عناصر عملیات پیچیده اطلاعات سپاه، شیرین نجفی بوده و پس از مدتی که اطلاعات سپاه او را در دام می‌اندازد، روح‌الله زم را به عراق کشانده است.

این کاربر نوشته «شیرین نجفی عکس ۱۵ میلیون یورو اسکناس ۵۰۰ یورویی برای روح‌الله زم فرستاده و مدعی شده این‌ها پول‌های اهدائی آیت‌الله سیستانی است برای راه‌اندازی تلویزیون آمد نیوز! این مقدار اسکناس ۵۰۰ یورویی یعنی شش دهم درصد کل اسکناس‌های ۵۰۰ یورویی موجود در جهان!»

در بخش دیگری از این توثیق نوشته شده «قسمت جالبتر اینجاست که شیرین نجفی به روح الله زم می‌گوید چون پاسپورت ندارم تو بیا و ۱۵ میلیون یورو پول نقد را با خودت به فرانسه ببر. این احمق هم عنر عنر راهی عراق می‌شود تا شش دهم درصد از کل اسکناس‌های پانصد یورویی موجود در جهان را توی گونی بریزد و برساند فرانسه! این آدم که شمار قابل‌توجهی از اپوزیسیون ایران را مچل کرده بود؛ عقل ناقص عقب‌مانده‌ای دارد که مهارت استفاده از چهار عمل اصلی را بلد نیست.»

به گزارش رویداد۲۴ اختلاف نظر درباره هویت واقعی و احتمال دستگیری او زمانی بیشتر شد که شیرین نجفی مصاحبه‌ای با یک شبکه فارسی زبان داشت. عده‌ای معتقد بودند این مصاحبه از داخل ایران انجام شده و سپاه هنوز می‌خواهد از عامل نفوذی خود محافظت کند، به همین دلیل اجازه تماس او با یک تلویزیون خارجی را داده است.

در اواخر مهر ماه ۱۳۹۸، شبکه فارسی‌زبان ایران اینترنشنال مصاحبه‌ای با شیرین نجفی کرد، در این مصاحبه، میهمان برنامه با توجه به ادعاهای موجود درباره محل زندگی و بازداشت او، از شیرین نجفی می‌خواهد دوربین را بچرخاند تا مشخص شود از ایران مصاحبه نمی‌کند اما شیرین نجفی از این کار اجتناب می‌کند و می‌گوید چون جایی مهمان است، نمی‌تواند چنین کاری کند.

به جز موضوع بازداشت یا عامل نفوذی بودن شیرین نجفی، سؤال‌های دیگری درباره او مطرح شده است. یکی از کاربران توییتر درباره او نوشته «شیرین نجفی اسم دیگری هم داشته و مدتی با نام سودابه خرسند فعالیت می‌کرده است. در ترکیه یک خانم ایرانی به اسم سودابه یا آرزو خرسند ملقب به شیرین نجفی اقدام به فروختن کیس درویش گنابادی به پناهجویان ایرانی با یک برگه به نام تشریف‌نامه و یک کتاب به اسم پند صالح می‌کرد و میزان جذب افراد به طریقت درویشی از سوی این خانم از قطب درویش هم بیشتر بود.»

یکی دیگر از کاربران توییتر درباره ادمین آمد نیوز این‌گونه نوشته است: «توضیحاتی راجع به شیرین نجفی بدهم که شاید جالب باشد. شیرین (فاطمه) نجفی حدود ۵ سال است که در ترکیه (انقره) زندگی می‌کند یا می‌کرد. کار قبلی ایشان در ایران فال بینی و رمالی بود و به همین دلیل که شاکی خصوصی هم داشت. مدتی هم در ایران بازداشت و زندانی می‌شود. البته این زندانی شدنش بعدها برایش پله ترقی شد. مدتی که در ترکیه بود، منبع درآمدش بیشتر از طریق قاچاق انسان به یونان و کشورهای دیگر بود یا به کارهای خرده‌خلاف که در بین پناهندگان ترکیه درآمد خوبی هم دارد، مشغول بود. مدتی هم در مجموعه سیداحمد شمس در ترکیه همکاری می‌کرد. شیرین نجفی زمانی در رسانه‌ها و توسط برخی چهره‌های بولد شد که یک ویدئو برای کمپین امتناع به سفارش یکی از فعالین زن فرستاده بود. این ویدئو بارها و بارها از طرف ایشان به گروه‌ها، کانال‌ها و سایت ارسال شده بود و خودش را فعال سیاسی از داخل ایران جا زده بودند. چون از بخت خویش، زمانی که در ایران با شکایت شاکی خصوصی دستگیر و بازداشت می‌شود که مدتی را با تعدادی از فعالان زن بازداشت شده در یک مکان نگهداری می‌شد و همین بهانه‌ای می‌شود که ادعا کند در ایران فعالیت سیاسی انجام داده و برای اثبات حرف‌هایش به بازداشت شدگانی اشاره می‌کرد که در آن مدت با آن‌ها در یکجا بازداشت و نگهداری شده بود.

در حقیقت شاهد هم داشت. چون به اون‌ها هم گفته بود که به خاطر فعالیت سیاسی دستگیر شده است. این ویدئو به قدری در فضای مجازی شبهه‌انگیز شده بود که ما مجبور شدیم آن را از کمپین امتناع حذف کنیم. دقیقاً بعد از این ویدئو با سماجت ویژه‌ای که داشت پای ایشان به موسسات و کانال‌های خبری باز شد. چندی قبل برای گرفتن تأییدیه برای دو تن از زندانیان آزاد شده که بتوانند از بنیادهای حقوق بشری در اروپا برای خروج از ایران کمک مالی دریافت کنند، از طریق یکی از دوستان متوجه شدم که ایشان یکی از تأیید کنندگان این بنیادها شناخته می‌شوند. وقتی با تلفنش تماس

گرفتم دوست پسرش پاسخ تلفن را داد و وقتی خودم را معرفی کردم درخواست کردم که باید با خودش صحبت کنم. گفت که چند دقیقه دیگه تماس بگیرید، چون شیرین در ترکیه نیست و باید با او هماهنگ کنم.

بعد از چند دقیقه که تماس گرفتم گفتند خانم شیرین شماره تلفنی دادند که با این شماره تماس بگیرید. پیش شماره متعلق به سوئیس بود. وقتی با شیرین نجفی تماس گرفتم، اولین چیزی که سؤال کردم این بود که از ترکیه خارج شدند؟ گفت: برای همیشه خارج شده ولی نگفت که در کدام کشور است. این تاریخ مصادف با روزهایی بود که بین برخی پناهندگان شایعه شده بود که شیرین نجفی به خاطر بدهکاری زیاد مخفی شده است. با این که موضوع ارتباطی به من نداشت و در حد شایعه می‌دانستم، حساسیت زیادی نشان ندادم. این تماس در روز سوم جولای بود که شیرین نجفی ادعا می‌کرد در خارج از ترکیه بسر می‌برد.»

یک کانال تلگرامی که خود را نزدیک به نهادهای امنیتی معرفی کرده، نیز که علیه آمدنیوز فعالیت می‌کرد به رمالی به نام «س.خ» که در آمدنیوز کار کرده، اشاره می‌کند. نزدیک‌ترین نام به این حروف مخفف همان سودابه خرسند است. نام سودابه خرسند در بیانیه‌هایی که فردی به نام «مسیح علی‌نژاد» در دفاع از دختران خیابان انقلاب منتشر کرده بود هم دیده می‌شد. البته در بیانیه‌ای دیگر از نام شیرین جعفری استفاده شده است؛ مثل بیانیه حمایت از مجید عزیزی که به همراه شاپرک تجری‌زاده، سارا امیری و لیلا میرغفاری امضاء شده است. بیانیه‌های دیگر البته با نام سودابه خرسند امضاء شده است.

شیرین نجفی، ادمین وبسایت آمدنیوز و همکار روح‌الله زم، روز چهارشنبه ۲۴ مهرماه ۹۸، در واکنش به انتشار اخباری از شراکت خود در دستگیری زم در عراق، تکذیب کرد که از او برای رفتن به عراق دعوت کرده است. نجفی که روز چهارشنبه با تلویزیون ایران اینترنشنال صحبت می‌کرد به اخباری که درباره او در این چند روز منتشر شده است واکنش نشان می‌داد.

شیرین نجفی که خود را جزء معدود دبیرهای آمدنیوز معرفی می‌کند در این مصاحبه می‌گوید که در کشاندن روح‌الله زم به عراق هیچ نقشی نداشته و خود نیز به عراق دعوت شده، اما به این سفر نرفته است. به گفته نجفی، او از طریق دوستان خود و تلویزیون ایران از خبر بازداشت زم مطلع شده است. نجفی می‌گوید که او از آقای زم برای رفتن به عراق دعوت نکرده و آقای زم «قرار بود مهمان دفتر (آیت‌الله) سیستانی» باشد و «با نماینده سیستانی» دیدار کند.

ساعتی پیش از این مصاحبه، مهسا رازانی، همسر روح‌الله زم، در مصاحبه با بی‌بی‌سی فارسی گفته بود که «هم‌زمان با سفر همسرش به عراق، شیرین نجفی از همکاران سایت آمدنیوز نیز در عراق بوده است.» خانم رازانی در ادامه به بی‌بی‌سی می‌گوید که «یکی از همکاران آمدنیوز نیز در عراق بوده است.» همسر روح‌الله زم اما در مصاحبه خود تاکید می‌کند که به خانم نجفی اعتماد دارد. شیرین نجفی نیز از نزدیک بودن به خانواده روح‌الله زم می‌گوید.

از مصاحبه شیرین نجفی چنین بر نمی‌آید که او هم به عراق سفر کرده و تنها می‌گوید که «من هم دعوت شده بودم به عراق.»

مهسا رازانی، همسر روح‌الله زم، در مصاحبه با وبسایت ایران‌وایر ضمن اشاره به این که همسرش روز جمعه، ۱۹ مهر ۹۸، با پرواز «رویال جوردنین» از پاریس «عازم بغداد» شده، گفت که روح‌الله زم در بغداد رفته است. در همین حال در پی انتشار گزارشی در روزنامه فرانسوی فیگارو، دفتر آیت‌الله علی سیستانی، مرجع تقلید شیعه ساکن نجف، هر نوع ارتباط بین روح‌الله زم و این دفتر را تکذیب کرد.

رسانه‌های ایران روز چهارشنبه، ۲۴ مهرماه، به نقل از یک مقام آگاه در دفتر این مرجع تقلید ساکن نجف در عراق اعلام کردند که روح‌الله زم «هیچ گاه ارتباطی مستقیم و یا غیرمستقیم با این دفتر نداشته» و «کسی درخواست ملاقات برای او» نفرستاده است.

پیش‌تر روزنامه فیگارو، چاپ پاریس، در روز سه‌شنبه با ارائه جزئیاتی از چگونگی دستگیری روح‌الله زم، مدیر کانال تلگرامی «آمدنیوز»، به نقل از منابع خود نوشته بود که زم در سفر به عراق دستگیر شده و سرویس‌های اطلاعاتی فرانسه با جلوگیری نکردن از این سفر، کار دستگیری او را تسهیل کرده‌اند.

به گفته شیرین نجفی، مقام‌های مسؤول در دولت فرانسه از سفر روح‌الله زم به عراق اطلاع داشتند و تنها از او درباره محل اقامت و تاریخ سفرش اطلاعات گرفته‌اند.

وزارت خارجه فرانسه روز چهارشنبه، ۲۴ مهرماه، در بیانیه‌ای بازداشت روح‌الله زم را محکوم کرده و تأیید کرده بود که آقای زم پناهنده فرانسه است و از حق ورود و خروج آزادانه به این کشور برخوردار است.

به گفته همسر روح‌الله زم وی توقف کوتاهی در امان، پایتخت اردن، داشت و بامداد شنبه ۲۰ مهر به بغداد رسید. ۲۴ ساعت نخست ورود به بغداد، ما خبری از او نداشتیم و به تماس‌های زیاد من پاسخ نداد.

وی در ادامه ادعاهای خود گفت: روح‌الله زم در بامداد روز یکشنبه در تماس تلفنی یک دقیقه‌ای با لحن و ادبیاتی غیرمعمول از سلامتی‌اش خبر داد و دوباره از او بی‌خبر شدیم.

فراموش نکنیم روح‌الله زم آفازاده‌ای بود با ارتباطات بسیار گسترده که از آن ارتباط‌ها برای رونق مجموعه خبری خود به بهترین نحو ممکن بهره‌جوئی می‌کرد. اما به نظر می‌رسد که او بسیار ساده و خام و زودباور و متوهم و خودبزرگ بین بود، و به برخی افراد بسیار اعتماد می‌کرد، بدون آن که پشت پرده و اهداف آن افراد را از ارتباط‌گیری با خودش را بداند. در این میان یکی از این افراد شیرین نجفی با نام اصلی سودابه خرسند بود، کسی که بیش‌ترین اخبار آمدنیوز از کانال او به روح‌الله زم می‌رسید. اتفاقاً همان اخبار، عکس‌العمل دستگاه‌های حکومتی را بر علیه او بر می‌انگیخت. پس به نوعی می‌توان گفت که روح‌الله زم قربانی اعتماد زیاد خود به شیرین نجفی و امثال او شد.

سایت خبری آمدنیوز در تیرماه سال ۱۳۹۴ راه‌اندازی شد به همراه چند نفر از منتقدین سیاسی جمهوری اسلامی مقیم خارج از کشور و اتفاقاً گفت‌وگوهای اولیه آن در ترکیه شکل گرفت. اما این سایت در همان ماه‌های اولیه که هنوز چندان چندان نشده بود و ناشناخته بود، دچار اختلاف سلیقه بین موسسین آن شد. در نتیجه چند ماه بعد یعنی در آبان ماه ۱۳۹۴ آمدنیوز تبدیل به یک کانال تلگرامی شد. آن کانال تلگرامی را تنها خود روح‌الله زم اداره می‌کرد و از موسسین همراه او در سایت، در این کانال تلگرامی خبری نبود.

اما گفته می‌شود ارتباط روح‌الله زم با شیرین نجفی به قبل از راه‌اندازی آمدنیوز برمی‌گردد، زمانی که روح‌الله زم در سحام نیوز فعالیت می‌کرد و حتی پیش از آن، هنگامی که پروفایل فیس‌بوکی جنجالی داشت و در آن ظاهراً برخی از مفاسد حکومتی‌ها را افشا می‌کرد. بعدتر، آن افشاگری‌ها به سحام نیوز و در نهایت به آمدنیوز منتقل شد.

روح‌الله زم پس از نوشتن چند نامه به خامنه‌ای نام او بر سر زبان‌ها افتاد و نامه‌های اول و دوم او به شکل گسترده‌ای در بسیاری از رسانه‌ها و سایت‌های فارسی‌زبان خارج از کشور بازتاب پیدا کرد. به شهرت رسید، اما پس از نامه سوم او به رهبری، رفته‌رفته از کانون توجه اهل رسانه خارج شد و تصور عمومی رسانه‌ها این بود که او فردی است که بیش‌تر مشتاق دیده شدن است اخبار مربوط به وی، آن‌چنان بازتاب نیافت.

به همین دلیل، او با ورود به فیس‌بوک که در آن زمان در غیاب تلگرام و اینستاگرام و واتساپ، تنها مجموعه بدون رقیب در فضای مجازی در آن سال‌ها بود، شروع به نوشتن پست‌های جنجالی کرد و هر چه دستش غلط و درست از



تخلفات مسؤولان و حکومتی‌ها می‌رسید منتشر می‌کرد، بعدتر چند صفحه فیس‌بوکی مانند کمپین یادآوری خطاهای رهبر هم به فعالیت‌های او اضافه شد که به دلیل مطالب جنجالی‌اش مورد استقبال و لایک کاربران زیادی واقع می‌شد.

از آنجا که مرکز تجمع برخی از فعالان سیاسی خارج شده از کشور پس از سال ۸۸، در آن سال‌ها در ترکیه بود و هنوز تنمه پذیرفته نشدگان در کمیساریای عالی پناهندگان در انتظار رفتن به کشور سوم بودند، این مرکز ثقل وسیله‌ای شد تا آشنائی بین روح‌الله زم و شیرین نجفی شکل بگیرد.

احتمالاً روح‌الله زم دنبال فردی فعالی بود که بتواند اخبار فعالان سیاسی در ترکیه را برای او به صورت مداوم گزارش کند. شیرین نجفی هم که دنبال گسترش ارتباط‌های خود به منظور ارتباط هر چه بیشتر به چهره‌های شناخته شده سیاسی بود، این نیاز مشترک متقابل، این دو را با هم آشنا کرد، گاه روح‌الله زم در پروفایل فیس‌بوکی خود می‌نوشت: آی فلانی که در فلان روز و فلان ساعت در استانبول یا انقره در فلان منزل، فلان کار را انجام دادی بدان و آگاه باش که ...، که محتوای دقیق آن اخبار از کسی جز شیرین نجفی به روح‌الله زم نمی‌رسید.

بعدها هم روح‌الله زم شیفته گسترده و شگرف اطلاعات شیرین نجفی شد. شیرین نجفی متوجه شد که روح‌الله زم سوژه مناسبی برای بهره‌برداری‌های مد نظرش، هم برای انعکاس گزارش‌های ویژه به سیستم امنیتی و هم برای گسترده‌تر شدن ارتباطاتش با دیگر فعالان سیاسی در سراسر دنیا از طریق این «آقازاده» مقیم فرانسه می‌باشد. سرانجام در سفر روح‌الله زم به ترکیه جهت راه‌اندازی سایت آمدنیوز، پس از ارتباط‌های مجازی در اوایل سال ۱۳۹۴، اولین ملاقات‌های حضوری او با شیرین نجفی هم شکل گرفت. شیرین نجفی برای جلب اعتماد روح‌الله زم خبر از ورود یکی از زن‌های عامل وزارت اطلاعات را به او داد که برای در تور انداختن روح‌الله زم قرار است به ترکیه بیاید. خبری که بعدها توسط مهدی خزعلی در ویدئویی رسانه‌ای شد. خبرهای این‌چنینی شیرین نجفی که عمدتاً با دقت بالائی همراه بود مسبب نزدیک‌تر شدن هر چه بیشتر روح‌الله زم به او شد، و وقتی که موسسین سایت آمدنیوز از زم جدا شده و مسیر دیگری غیر از آمدنیوز را برای فعالیت‌های خود انتخاب کردند، در سفرهای بعدی زم که با فاصله چند ماه بعد در شهریور سال ۱۳۹۴ در استانبول به منظور دیدار با خانواده‌اش اتفاق افتاد، فکر راه‌اندازی کانال تلگرامی کلید خورد.

آن روزها پس از وایبر، تلگرام تازه بین مردم طرفدار پیدا کرده بود و گروه‌های تلگرامی و کانال‌های تلگرامی یکی از پس دیگری راه‌اندازی می‌شدند. شاید ورود آمدنیوز به تلگرام، در تحول و رشد رو به جلوی آن تاثیر چشمگیری داشت. با راه‌اندازی تلگرام، اتفاقاً شیرین نجفی فرصتی مناسبی به دست آورد تا از نزدیک در کنار روح‌الله زم قرار گیرد. شیرین نجفی به نفع اطلاعات جمهوری اسلامی، ظاهراً خبرهای داغی از وقایع دوران جمهوری اسلامی به او می‌داد که هرد آمدنیوز انعکاس می‌یافت. هر روز اخبار آن داغ‌تر و پرتعدادتر می‌شد تا آن که اتفاقاً برنامه‌ریزی دقیق رسانه‌های وابسته به سپاه همچون فارس با همکاری باشگاه خبرنگاران جوان بود که با پخش ویدئوهائی، بر شهرت آن افزودند و از آنجا جهش روز افزون جذب مخاطب آن آغاز و تا نزدیک دومیلیون نفر هم پیش رفت.

روح‌الله زم خود با رابطین و رفقائی که در ایران داشت و به دلیل انتساب به پدرش در گذشته هم با افراد زیادی آشنا بود دسترسی سطح بالائی به منابع دست اول خبری داشتند، و از ارتباط‌های قبلی خود در ایران بهره می‌برد، و می‌توانست دسترسی خوبی به منابع خبری دست اول داشته باشد. علاوه بر آن طی سال‌های حضور در خارج از ایران، به دلیل نگارش چند نامه به رهبری و همچنین راه‌اندازی صفحه فیس‌بوکی جنجالی و نوشتن مطالب افشاگرانه از مفاسد حکومتی در آن، توانسته بود طرفداران زیادی جذب کند. در واقع برخی رسانه‌ها و افراد او را مرکز مناسبی برای نشر مطالب افشاگرانه خود تلقی نموده و چنانچه مطالب قابل افشا و انتشاری داشتند برای او ارسال می‌کردند، گاه حتی بردخی سازمان‌های سیاسی هم در رقابت با هم بعضاً اخباری را بر علیه یکدیگر برای روح‌الله زم جهت درج در

آمدنیوز می‌فرستادند. چرا که این رسانه را پربیندترین رسانه برای شنیده‌شدن مطالب خود می‌دیدند. اما مسأله مهم در اخبار دریافتی آمدنیوز و روح‌الله زم، کانال و منبع و منشا اصلی این مطالب و اخبار بود که از منابع بسیار خاصی از درون جمهوری اسلامی به دست وی می‌رسید و اخبار محرمانه حاکمیت محسوب می‌شدند. حتی برخی جلسات و مباحث شورای عالی امنیت ملی به دستور حسن روحانی، اما قبل از جلسه، خبر آن در تلگرام آمدنیوز منتشر می‌شد. ظاهراً اخبار دریافتی زم، اخبار سطح بالا و کاملاً حساسیت برانگیزی بود که گاه با نامه اعتراضیه ده‌ها نماینده مجلس و یا برخی مقامات ارشد حاکمیت مواجه می‌شد. برخی از اخبار، پیش از آن که به گوش نمایندگان مجلس و وزرا و مسؤولان عالی‌رتبه جمهوری اسلامی برسد از آمدنیوز منتشر می‌شد.

زم می‌گفت من در بیت رهبری، شورای عالی امنیت ملی و درون محرمانه‌ترین ارکان نظام منبع دارم و می‌توانم هر آنچه را که اراده کنم به دست آورم.

زم درست می‌گفت، چرا که برخی از افراد در سایه، با مهره او در سطح کلان می‌خواستند با اخباری که به دست او می‌رساندند، نتیجه بازی را در عرصه‌های مختلفی که در جناح‌بندی‌های حاکمیت مدنظرشان بود مطابق با خواست و سلیقه خود اعلام کنند.

در این میان مهم‌ترین منبع خبری شیرین نجفی و وحید حقانیان بود، کسی که از او به عنوان «دست راست و مباشر» اصلی جمهوری اسلامی ایران و معاون اجرائی بیت رهبری و رابط بیت با نولت و مقامات رده بالای اجرائی یاد می‌شد. اما عنوان رسمی او معاون امور ویژه دفتر رهبری است، هم او که دائره‌المعارف و منبع اصلی اخبار مهم و محرمانه و به کلی سری کشور بوده و از کمتر چیزی ممکن است بی‌اطلاع باشد.

مکالمه شیرین نجفی از طریق فیس تایم و سایر ابزارهای رایج در فضای مجازی با وحید حقانیان بوده که او دلیل این مکالمات و آشنائی‌اش با وحید حقانیان را از زمانی ذکر می‌کرده که همسر محمد امین باقری کنی فرزند محمد باقر باقری کنی بوده و برادر محمد امین که مصباح الهدی نام دارد داماد دوم رهبری بوده، و از همان زمان وحید حقانیان با شیرین نجفی آشنائی پیدا کرده است. البته گفته شده است شیرین نجفی بر این نکته که منبع اصلی خبری او وحید حقانیان است و کسان دیگری هم هستند که منبع خبری او هستند اما همگی از سوی وحید حقانیان معرفی شده‌اند و کاملاً هماهنگ با او، اخبار را برای وی ارسال می‌کنند، در جمع‌های مورد اعتماد، تاکید می‌کرده است. جالب آن که روح‌الله زم در گفت‌وگوهای که در برخی رسانه‌های تصویری داشت و در کانال تلگرامی خود منتشر می‌کرد، بارها از جلساتی در حضور رهبری نام می‌برد که مصباح باقری در آنجا حضور داشته است. احتمالاً خبرهای این‌چنینی که شیرین نجفی به روح‌الله زم می‌داد تا درجه صحت آن خیر را برای زم باور پذیرتر کند.

بسیاری از اسناد و مدارکی که زم بارها در کانال تلگرامی خود با سر برگ رسمی برخی ارگان‌ها از جمله سپاه و قوه قضائیه منتشر می‌کرد اما بعدها توسط کانال‌های تلگرامی ارتش سایبری مورد استهزاء قرار می‌گرفت و بعداً فتوشاپ بودن آن مشخص می‌شد، از کانال وحید حقانیان و ابواب جمعی او به شیرین نجفی و سپس روح‌الله زم می‌رسید. به همین دلیل به نظر می‌رسد اخبار ارسالی از کانال وحید حقانیان و افراد وابسته به او کاملاً هدایت شده و برای تنظیم وضعیت کشور، آن‌طور که او و تیم همراهش و اگر افراد رده بالاتری در بیت رهبری در تنظیم و ارسال آن نقش داشتند، بوده است. چرا که نفوذی بودن شیرین نجفی و این که این اخبار از کدام کانال به روح‌الله زم می‌رسیده حتی برای برخی از سایت‌ها و کانال‌های تلگرامی ارتش سایبری هم روشن نبود و ممکن است تا الان هم روشن نباشد و ممکن است همچنان به شیرین نجفی نه به عنوان یار خودی، بلکه متهم و همدست روح‌الله زم نگاه کنند.

ماجراهای نظیر ماجرای جاسوسی زهرا لاریجانی، مفاسد اطرافیان صادق لاریجانی مانند اکبر طبری، ماجرای ۶۳ حساب صادق لاریجانی که برخی از آن‌ها کاملا با واقعیت منطبق و برخی از آن‌ها کاملا افسانه بود، اخباری بود که از کانال وحید حقانیان به دست شیرین نجفی و سپس روح‌الله زم می‌رسید و در آمدنیوز منتشر می‌شد.

نکته جالبتر آن که اخبار ارسالی از سوی حقانیان بر علیه صادق لاریجانی که با واسطه نجفی به زم می‌رسید، در زمانی از سوی حقانیان به سمت انتشار در یک رسانه مخالف جمهوری اسلامی هدایت می‌شد که هنوز صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه بود. شاید راس این‌گونه اخبار و گزارشات افرادی چون سیدمجتبی خامنه‌ای یا افراد دیگری بودند که به صورت هدفمند این‌گونه اخبار را با واسطه به آمدنیوز می‌رساندند.

بدون شک در رساندن اخبار ارسالی از سوی حقانیان به شیرین نجفی و سپس زم، اهداف پیچیده دیگری هم همراه بوده که شاید هرگز آشکار نشود. اما آن‌چه که مسلم است یک پایه رساندن این اخبار به زم، وحید حقانیان و همراهانش و پایه دیگر شیرین نجفی بوده است. البته احتمالا روح‌الله زم گاه از کانال‌های دیگری هم خبر به دست می‌آورد که شیرین نجفی از آن‌ها بی‌خبر بود اما احتمالا زم قبل از انتشار، آن‌ها را با او چک می‌کرد. بعضا ظرف یک ماه یا بیش‌تر، اخبار آمدنیوز هم چون سایر رسانه‌ها، خبرهای معمولی بوده و خیر ویژه‌ای در آن شنیده نمی‌شد. در هر صورت نقش شیرین نجفی در کانال تلگرامی آمدنیوز محوری بود و توانسته بود این نظر را به روح‌الله زم بقبولاند.

در واقع روح‌الله زم اسیر دامی شد که جدا از خود بزرگبینی و توهم خود، اسیر سیستم امنیتی جمهوری اسلامی شود. ماجرای آمدنیوز و روح‌الله زم و شیرین نجفی می‌تواند درس عبرتی باشد برای همه افراد و شخصیت‌ها و اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور شود که دل در گرو آزادی ایران نهاده‌اند و در خارج از کشور زندگی می‌کنند. یا حتی درس عبرتی باشد برای فعالان سیاسی داخل کشور، که از جور و ظلم و استثمار حاکمان قدارمبند کشور به ستوه آمده‌اند تا از این پس به هر مدعی فعال سیاسی یا حقوق بشری اعتماد نکنند و از طرف دیگر به راحتی اسیر جوها و فضاها و کیش شخصیت نشوند.

از آن‌جا که ماجرای دستگیری زم و دخالت شیرین نجفی در آن، در فرانسه و عراق اتفاق افتاده و ما از جزئیات دقیق آن مطلع نیستیم طبعاً از این‌رو نمی‌توانیم اطلاعات قابل استنادی داشته باشیم. اما می‌توانیم یک حقیقت را روشن کنیم و آن این که روح‌الله زم پناهنده سیاسی فرانسه بود که به عراق سفر کرد و نهایت در ایران اعدام شد.

یک روز پس از تأیید حکم و دو روز پیش از قتل حکومتی روح‌الله زم، مطابق معمول همیشه، صدا و سیما در مقام بخش رسانه‌ای و پروپاگاندای ماشین اعدام، گزارشی را با عنوان «زمین پست» منتشر کرد تا او را یک فرد خائن، جاسوس، مغز متفکر اپوزیسیون و نیروئی تأثیرگذار در میان مخالفان جمهوری اسلامی معرفی و زمینه ذهنی مخاطب را برای کشتن او فراهم کند.

در ماجرای ربایش زم، تعدادی از دوستان و نزدیکان او بارها به نقش نام آیت‌الله سیستانی در این پرونده اشاره کردند و از پول‌هایی گفتند که به او نشان داده شد تا آز و طمع‌اش را برانگیزد و محاسباتش را درهم ریزد. این روایت‌ها هیچ‌گاه تأیید نشد اما گزارش اخیر بر این نکته صحنه می‌نهد و تردیدی باقی نمی‌گذارد که اگر آن نام و این پول و همکاری دولت عراق نبود، نقشه ربایش به سرانجام نمی‌رسید.

همچنین فردی به «مجتبی سجادی» در مطلبی که در روز سه‌شنبه ۵ مه ۲۰۲۰ منتشر کرده است صراحتاً ادعا کرده است: «شیرین نجفی کارکشته‌ترین زن عامل سیستم امنیتی ایران است اما اگر او را در قالب متهم در دادگاه روح‌الله زم دیدید، تعجب نکنید. \*روح‌الله زم در حقیقت اسیر دامی شد که دیگران برای او پهن کرده بود. \*مهم‌ترین منبع خبری شیرین نجفی، کسی بود که از او به عنوان «دست راست و مباشر» اصلی خامنه‌ای یاد می‌شود. \*هم روح‌الله زم به

دامنه گسترده و شگرف اطلاعات شیرین نجفی پی برد و هم شیرین نجفی متوجه شد که روح‌الله زم سوژه مناسبی برای بهره‌برداری‌های مد نظرش است.»

در خبرها و گزارش‌ها آمده است که سودابه خرسند که بعدها نام مستعار شیرین نجفی و بعدتر نام شیرین نجفی‌زاده را بر خود نهاد، دختری با پدری اهل کردستان و سنی مذهب و مادری اهل گیلان و شیعه مذهب بود که در اوان کودکی، پدر خویش را از دست داد و مادرش ناچار برای ادامه زندگی و سرپرستی فرزند خویش تن به ازدواج مجدد به مرد دیگری این بار از دیار خود در گیلان داد. سودابه خرسند دارای خواهران و برادران ناتنی از ازدواج جدید مادر خود بود، اما شاید به دلیل جو خانه ناپدری در سن پائین تن به چند ازدواج داد، هر چند اطلاع دقیقی از همسران او در این ازدواج‌های متعدد و ناموفق در دست نیست اما آن چه که مشخص است تمامی ازدواج‌های او با افراد مرتبط با سپاه و سیستم امنیتی صورت گرفته است، حال این که چگونه پای سودابه خرسند به زندگی با سرداران سپاه و نیروهای ارشد امنیتی و خانواده برخی از چهره‌های شناخته شده سیاسی باز شد؟ امری مبهم است اما می‌توان حدس زد که در ابتدا نیازهای مالی عامل و انگیزه ورود او به این گونه ازدواج‌ها و ورود به چنین خانواده‌هایی بوده است.

«مجبئی سجادی» می‌نویسد: اما آنچه که مسلم است و خود او هم در مرادانتش با بسیاری از سیاسیون مطرح کرده، یکی ازدواج‌های او با محمدامین باقری کنی فرزند محمدباقر باقری کنی البته به عنوان همسر دوم یا همسر صیغه‌ای او بوده است، محمدباقر باقری معروف به باقری کنی برادر محمدرضا مهدوی کنی (متولد ۱۳۰۵، کن از توابع تهران) روحانی شیعه و عضو سابق مجلس خبرگان رهبری است، او سرپرست دانشگاه امام صادق از ۱۲ آذر ۹۳ تا شهریور ۹۴ بود، او پیش‌تر در ادوار اول و دوم مجلس خبرگان رهبری نیز عضویت داشت، باقری با ناکامی در انتخابات ۷ اسفند ۱۳۹۴ از انتخاب مجدد برای مجلس خبرگان بازماند، مصباح‌الهدی باقری کنی داماد سیدعلی خامنه‌ای، علی باقری معاون سعید جلیلی در شورای عالی امنیت ملی، و محمد امین باقری ظاهراً استاد دانشگاه اما در واقع یک نیروی امنیتی، هر سه فرزندان باقری کنی هستند.

آنچه که قطعی به نظر می‌رسد سودابه خرسند قبل از عزیمت به خارج از کشور مدتی را پس از جدایی از محمدامین باقری در شمال شهر تهران به شغل رمالی پرداخته و با دعانویسی و سحر و جادو و رمالی پذیرای بسیاری از مردم به ویژه زنان در خانه‌های بوده که به این امر اختصاص داده بود، و پس از آن مدتی را در بند نسوان زندان اوین گذرانده است، حال اگر آن دکان و دستگاه و رمالی او در شمال شهر تهران و آن دوران زندان هم امور پوششی برای فعالیت‌های اطلاعاتی او بوده امری مبهم و پیچیده است، اما آنچه که مسلم است هدف از نفوذ دادن او در زندان اوین و در میان زنان فعال سیاسی، بیشتر آشنائی او با چهره‌های سیاسی و ساخته شدن محمل و فضائی مناسب برای تبدیل کردن او به یک فعال سیاسی زندانی و حقوق بشری و هم چنین ارتباط‌گیری با بدنه مخالفان حکومتی بوده است.

آنچه که از ازدواج‌های متعدد او با سرداران و نیروهای ارشد امنیتی و محمدامین باقری به عنوان یکی از خانواده‌های مشهور سیاسی حکایت دارد، این واقعیت است که او طی این سال‌های متمادی تبدیل به یک نیروی امنیتی کارگشته شده که ضمن آشنائی دقیق با فضای سیاسی کشور، پیچیده‌ترین ترفندها و روش اطلاعاتی را هم آموخته و با بهره‌گیری از آن‌ها آماده راهی شدن به مأموریتی پر رمز و راز و پیچیده در خارج از کشور می‌شود.»

در ادامه این مطلب می‌خوانیم: «سودابه خرسند یا همان شیرین نجفی در اوایل سال ۱۳۹۲ راهی ترکیه می‌شود تا مأموریت‌های محول شده از سوی سیستم امنیتی را اجرا نماید، و شهر محل اقامت خود را انقره پایتخت کشور ترکیه برمی‌گزیند، چرا که در آن سال‌ها دفتر مرکزی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در این شهر مستقر بود، و

بخش اعظم فعالان سیاسی که پس از وقایع سال ۱۳۸۸ از ایران گریخته بودند در این کمیساریا اعلام پناهندگی کرده و منتظر تعیین تکلیف برای پذیرفته شدن از سوی کشور سومی بودند تا ادامه زندگی را در آن سرزمین بگذرانند. وظیفه اصلی شیرین نجفی نزدیک شدن به پناهندگان و ارتباط گیری موثر با آنها بود تا ضمن شناسایی دقیق تکتک آنها، فعالیت‌هایشان را زیر نظر گرفته و گزارش آن را به مراکز امنیتی ارائه نماید، در ضمن او مأموریت داشت تا از تمامی توانمندی و ظرفیت‌های خود بهره بگیرد تا اعتماد همه فعالان سیاسی را به هر طریق ممکن به دست آورد.» در واقع شیرین نجفی با مهارت فوق‌العاده‌ای توانسته بود به درون پناهجویان ایران نفوذ کند بدون این که چهره‌های واقعی خود را برملا سازد.

پس از چندی دامنه این تور و کمین شیرین نجفی از ترکیه فراتر رفت و به داخل ایران هم رسید، او شبکه‌ای طراحی کرده بود که بتواند متقاضیان مهاجرت و پناهندگی را از داخل ایران به ترکیه بیاورد. ارتباط گیری با قاچاقچیان انسان و خروج «غیرقانونی» از مرز هم رفته‌رفته جزء فعالیت‌های شیرین نجفی شد.

شیرین نجفی در ابتدای ورود به ترکیه از روسری به عنوان پوشش و حجاب برای خود استفاده می‌کرد و حتی در پروفایل فیس‌بوکی خود هم عکس با حجاب قرار داده بود اما بعدها حجاب را کنار گذاشت و دلیل این اقدام را نگاه منفی پناهجویان ذکر می‌نمود که برخی از آنها به او اتهام عامل اطلاعات و سپاه زده‌اند. به همین جهت ادعا می‌کرد که او برای عادی‌سازی و پرهیز از هر گونه اتهامی مجبور شده با وجود میل باطنی حجاب را کنار بگذارد، او تاکید کرده بود که در ایران حجاب او حتی چادر بوده اما در ترکیه پس از مدتی حجاب را برای آسان شدن ارتباط هایش کنار گذاشته است.

فعالیت‌های شیرین نجفی پس از مدتی از انقره هم فراتر رفت و به تمامی شهرهای ترکیه گسترش یافت و با تشکیل گروه‌های مختلف در شهرهایی که مرکز تجمع ایرانیان مهاجر و پناهجویان بود مانند استانبول، آنتالیا، دنیزلی، اسکی شهیر، کایسری، نیده و ...، همان روش‌هایی را که در انقره برای شناسایی ایرانیان انجام می‌داد، در مابقی شهرها هم عینا انجام داد و ضمن رفع نیازها و احتیاج‌های اولیه ایرانیان ساکن در دیگر شهرها، در مواردی که ضروری بود به صورت حضوری برخی مسایل آنها را حل و فصل می‌کرد. حتی او شخصا با سفر به آن شهرها امور مربوطه را ساماندهی می‌نمود و بی‌تردید گزارش فعالیت‌های خود را به دستگاه‌های امنیتی ارائه می‌داد.

شیرین نجفی به فعالیت‌های توریستی در ترکیه هم ورود پیدا کرد و هدف او از وارد شدن به این فعالیت‌ها این بود تا بیش‌تر با خانواده‌های فعالان سیاسی و پناهجویانی که از ایران و سایر کشورها برای دیدار با آنان به ترکیه چه در استانبول و چه انقره یا آنتالیا و آلتانیا و سایر شهرها می‌آمدند، آشنا شده و با آنها ارتباط برقرار نماید. برخی مواقع به صورت مستقیم با تهیه هتل و تورهایی جهت گرداندن آنان در سطح شهر از سفر و استقرار آنان و همچنین چگونگی ارتباط شان با اعضای خانواده اطلاعات جمع می‌کرده تا گزارش آنها را به دستگاه‌های امنیتی ارائه دهد. کمک به تهیه هتل و همچنین انتقال مسافران ایرانی از فرودگاه و ترمینال و ایستگاه قطار برای متقاضیان مهاجرت یا سفر یا تحصیل یا کار به آمریکا و کانادا و انگلستان و ... که به ترکیه جهت مراجعه به سفارت‌خانه‌های این کشورها می‌آمدند یا قصد اقامت کوتاه مدت در ترکیه داشتند تا زمینه سرمایه‌گذاری یا اقامت و یا تحصیل یا کار خود و فرزندان‌شان را چه در ترکیه یا دیگر کشورها بررسی کنند. سپس ارتباط جدی گرفتن با آنان و بعضا کمک به حل مشکلات آنها از طریق ارتباطاتی که در ادارات ترکیه یا سفارت‌خانه‌ها یا دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی برقرار کرده بود، و ادامه دادن این ارتباط‌ها حتی پس از انتقال آنان به دیگر کشورها و یا در صورتی که در ترکیه می‌ماندند، استفاده از ظرفیت آنان در مواردی که ضروری تشخیص می‌داد از دیگر اقدام‌های شیرین نجفی یاد شده است.

فعالیت شیرین نجفی کمکم از مرزهای ترکیه فراتر رفت و قاچاق مهاجران به یونان، گرجستان، صربستان، آلبانی، المان و سایر کشورهای اروپائی از طریق دریا و هواپیما هم به فعالیت‌های او اضافه شد. او طی هماهنگی با جاعلان پاسپورت و مدارک و گرفتن مبالغ بسیار کلان و بعضا هماهنگی با برخی مأموران دولتی، توانست به یکی از چهره‌های شناخته شده میان متقاضیان این‌گونه خدمات تبدیل شود. لیست کامل مسافرانی که شیرین نجفی کار انتقال آن‌ها را انجام می‌داد، همراه با تصویر مدارک تهیه شده به صورت مرتب در اختیار دستگاه‌های امنیتی قرار می‌گرفت.

ارتباط موثر او با مجاهدین خلق که مرکز تجمع هواداران آن‌ها در ترکیه بیشتر در شهر «کریک قلعه» واقع در چهل کیلومتری انقره است، از جمله اقدام‌های ویژه او بود. شیرین نجفی طی ارتباط ویژه با برخی از افراد موثر وابسته به مجاهدین خلق، در موارد بسیاری نسبت به انتقال آنان به صربستان و سپس آلبانی به منظور انتقال به کمپ ویژه متعلق به سازمان مجاهدین خلق، اقدام کرده و این فعالیت‌ها کاملا با هماهنگی و اشراف سیستم امنیتی جمهوری اسلامی صورت گرفته و احتمالا گزارش نحوه انتقال آنان نیز به صورت دقیق و با مدارک و تصویر به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ارائه شده است.

گفته شده است شیرین نجفی آن‌چنان مورد اعتماد مجاهدین خلق چه در میان هوادارانش در ترکیه و چه در آلبانی و فرانسه واقع شده بود که ضمن دریافت مبالغ کلان به صورت ماهیانه از آن‌ها، موفق شد که بتواند ادمنیتی کانال تلگرامی آنان را هم عهده‌دار شود.

البته او با هر گزاشی آن‌گونه برخورد می‌کرد که آن‌ها تمایل داشتند و کاملا نسبت به موارد حساسیت برانگیز و چیزهای مورد علاقه و مورد نفرت همگی جریان‌ها تسلط و آشنائی کافی داشت. برای مثال می‌دانست «جنبش سبزی‌ها» یا مجاهدین خلق یا سلطنت‌طلبان یا مذهبی‌ها یا دراویش گنابادی و یا وابستگان به هر گزایش یا طیف سیاسی و مذهبی و اجتماعی از چه چیزی خوششان می‌آید و از چه چیزی بدشان.

حتی گفته می‌شود که او عینا در کلام و گفتار، از الفاظی در مواجهه با طرفداران طیف‌های گوناگون استفاده می‌کرد که معمولا هواداران سازمان‌های مختلف به استفاده از آن الفاظ و کلمات شناخته می‌شوند، مثلا از لفظ «شاهزاده و شهبانو» در مواجهه با سلطنت‌طلبان، از لفظ «حکومت آخوندی» در هنگام برخورد با مجاهدین خلق، از لفظ قسم خوردن به «فاطمه زهرا» و «امام حسین» در برخورد با مذهبی‌ها استفاده می‌کرد تا اعتماد بیش‌تری نسبت به او بیابد.

یکی از مأموریت‌های ویژه شیرین نجفی شناسائی هر فعال سیاسی اجتماعی مدنی و حقوق بشری و زندانی سیاسی آزاد شده و هر چهره شناخته شده‌ای بود که به تازگی وارد ترکیه می‌شد. او اگر می‌توانست از داخل ایران و اگر دیرتر مطلع می‌شد سعی می‌کرد از بدو ورود از در همه امور مربوط به انتقال و استقرار او را انجام دهد و گاه حتی شخصا با اتومبیل و راننده در فرودگاه یا ترمینال و ایستگاه قطار به استقبال افراد مورد نظر می‌رفت و با پذیرائی گرم و بر آورده کردن تمامی نیازهای او، حس اعتماد آنان را نسبت به خود جلب می‌کرد.

شیرین نجفی دامنه ارتباطات خود را با چهره‌های شناخته شده ایرانی مقیم خارج از ایران باز هم وسیع‌تر کرد و توانست با بسیاری افراد مشهور ایرانی در سراسر دنیا از جمله در اروپا و امریکا و کانادا و استرالیا و حتی داخل ایران از طیف‌های گوناگون، ارتباط برقرار کند.

شیرین نجفی همچنین توانست با بسیاری از مجریان شبکه‌های مختلف تلویزیونی در صدای امریکا، بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال، کلمه و ... و تحلیل‌گران سیاسی که معمولا در این شبکه‌ها حضور مئیابند نیز ارتباط موثری برقرار نماید به گونه‌ای که بعضا با چت کردن یا گفت‌وگوی مستقیم، خود را به آنان نزدیک می‌کرد.

نجفی تلاش بسیاری به خرج داد تا خود را به عنوان یک فعال حقوق بشری به مراکز مختلف معرفی کند و ضمن ارتباط موثر با نهادهای حقوق بشری مانند عفو بین‌الملل، خبرنگاران بدون مرز، کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی، جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر و ...، موفق به دریافت کمک‌های مالی هنگفتی از برخی از این مراکز به بهانه یاری‌رسانی به زندانیان سیاسی و پناهمجویان ایرانی در نقاط مختلف دنیا شود.

او موفق شد تا نام خود به عنوان فعال حقوق بشری به تعدادی از زندانیان سیاسی در داخل و خارج ایران برساند، سخنرانی تحت عنوان فعال حقوق بشر از طریق اسکایپ در بیست و چهارمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو پیرامون مشکلات پناهمجویان و پناهندگان در ترکیه و نشست‌ها و کنفرانس‌هایی از این دست از جمله اقدامات او برای تثبیت نامش به عنوان فعال حقوق بشر بود.

مصاحبه‌های تصویری متعدد، لایوهای اینستاگرامی و تدوین ویدئوهایی به منظور انعکاس در فضای مجازی با چاشنی دفاع از زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان، دفاع از حقوق زنان و رسیدگی به درخواست‌های پناهمجویان از دیگر اقدام‌های شیرین نجفی بود. به خصوص در زمان‌هایی که برخی افراد اقدام به افشاکاری بر علیه شیرین نجفی می‌کردند، تعداد بی‌شماری چه در فضای مجازی چه در فضای حقیقی به صورت مکرر ضمن تهدید فرد افشاگر، اقدامات تخریبی خود را بر علیه او به صورت هماهنگ و با تعداد نفرات بسیار بالا آغاز می‌کردند.

انتقال برخی از عناصر به ویژه «زنان» صادراتی سیستم امنیتی از ایران به ترکیه و از ترکیه به اروپا و کانادا و با سوءاستفاده از حرکت «دختران میدان انقلاب» از دیگر اقدامات شیرین نجفی بود، اقدامی که بعضاً در شرایط عادی، ماه‌ها و احیاناً سال‌ها برای افراد مشابه اتفاق افتاده اما در این ماجرای خاص ظرف کمتر از یک ماه از ابتدا تا انتها زمان صرف آن شد.

یکی از شیوه‌های کثیف شیرین نجفی این بود که گاهی موفق می‌شد از جدائی زن و شهرهای سیاسی برای گرفتن اطلاعات و عمیق کردن اختلاف آن‌ها تا حدی که به افشاکاری همدیگر دست بزنند و یا با اختلاف‌افکنی میان اعضای خانواده‌ها، زن‌ها را نسبت به شوهرها و شوهرها را نسبت به زن‌ها بدبین کند، و با کشیدن نقشه‌های پیچیده و فرستادن زن برای مردهای زنده‌دار و یا مرد برای زن‌های شوهر دار و تلاش برای ایجاد ارتباط میان آنان چه از طریق فضای مجازی و چه در فضای حقیقی این خانواده‌ها از هم بپاشاند تا راحت‌تر بتواند میان آن‌ها نفوذ کرده و سرانجام سهل‌تر بتواند به اهداف «امنیتی» خود برسد.

شیرین نجفی هر گاه اراده می‌کرد یک چهره سیاسی یا فعال اجتماعی و فرهنگی را در سطح عمومی تخریب کند، اتهاماتی به او نسبت می‌داد: اتهام‌های اخلاقی یا اتهام‌های مالی یا اتهام ارتباط با دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران و سپاه و غیره. او برای رسیدن به این هدف شوم خود علاوه بر استفاده از افراد متوهم زیر مجموعه‌اش، طبق نقشه‌های پیچیده‌ای که از قبل طراحی کرده بود، آن فرد را بر سر قرار می‌رستوران یا پاساژ می‌کشاند و با قرار دادن برخی افراد بر سر راه آن‌ها و گرفتن عکس از این قرارها، آنان را تحت فشار قرار می‌داد تا تن به خواسته‌های او دهند و بعضاً با باج‌گیری از آن‌ها، این افراد شناخته شده را وادار می‌کرد به خواسته‌های او تن در دهند. او از این شیوه‌ها پیش‌تر برای به دامن انداختن جوانان بی‌تجربه استفاده می‌کرد.

برای مثال عکس‌های برخی فعالین سیاسی را مونتاز کرده و به عنوان ناشناس در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کرد. در مهمانی‌ها از آن‌ها عکس می‌گرفت تا سوژه مورد نظر خود را وادار کند از افشاکاری بر علیه شیرین نجفی به جهت کلاهبرداری‌ها و ارتباطات گسترده‌اش با سیستم امنیتی سکوت کند. برخی از دختران بی‌پناه و آواره و سرگردان و نیازمند به کمک که در ترکیه به هوای ماندن در این کشور یا رفتن به کشورهای اروپائی یا امریکائی در تور شیرین

نجفی گرفتار می‌شدند، تبدیل به طعمه‌هایی می‌شدند که نجفی آن‌ها را برای استفاده جنسی نزد مردانی که در کمین آن‌ها نشسته بود بهره‌گیرد. سپس او با گرفتن فیلم و عکس از آنان، هر دو طرف را تحت فشار قرار می‌داد، فعالان سیاسی را از یک طرف برای تن دادن به خواسته‌های خود و سیستم امنیتی و دختران بی‌پناه گرفتار آمده در تور خود را به پخش شدن تصاویر آن‌ها در فضای مجازی و کانال‌های تلگرامی مجاهدین خلق و شب‌تاب نیوز و در تی‌وی و آمدنیوز که شیرین نجفی هم‌زمان ادمین آن‌ها بود به عنوان «پرستوی اعزامی جمهوری اسلامی»، این دختران را تهدید می‌کرد که چنان‌چه به همکاری خود در این زمینه ادامه ندهند امکان ادامه زندگی از آنان در هر جای دنیا سلب خواهد شد چرا که علاوه بر فضای مجازی، عکس‌ها برای خانواده آنان ارسال خواهد شد. شیرین نجفی این دختران را تشویق می‌کرد تا می‌توانند از سوژه‌های مورد نظر پول بگیرند و در صورتی که بتوانند با سوژه‌های مدنظر عکس و فیلم بگیرند و آن‌ها را به دست او برسانند.

شیرین نجفی در ادامه فعالیت‌های امنیتی‌اش ارتباط موثری با روح‌الله زم برقرار کرد به طوری که او تبدیل به یکی از ادمین‌های اصلی کانال تلگرامی آمدنیوز هم شد. او در عین حال فعالیت ادمینی در کانال تلگرامی در تی‌وی و شب‌تاب نیوز، به عنوان کانال‌های تلگرامی مکمل و موازی آمدنیوز به همراه روح‌الله زم از جمله فعالیت‌های شیرین نجفی بود. شیرین نجفی در کنار روح‌الله زم با اعضای اصلی سنای کنگره ملی ایرانیان با محوریت امیرعباس فخرآور هم در ارتباط بود که به صورت مرتب در جلسات اسکایپی آنان حضور شرکت می‌کرد، عضویت در شورای هماهنگی رسانه‌ها و مخالف جمهوری اسلامی همچون رسانه‌های آپوزیت، آمدنیوز، آواتودی، بیان، جنبش فدائیان ایران، حق‌نیوز، در تی‌وی، شب‌تاب نیوز، سپهر آزادی، شهروندیار، شبکه تلویزیونی کلمه و ارتباط موثر و مداوم با مسؤلان و دست‌اندرکاران این رسانه‌ها که بیشتر به منظور آشنائی با نحوه و کم و کیفیت فعالیت‌های این مجموعه‌ها از دیگر تلاش‌های مستمر و همیشگی شیرین نجفی بود.

شیرین نجفی با دفتر ابوالحسن بنی‌صدر اولین رئیس جمهور اسلامی ایران، در ارتباط بود و موفق شده بود برای برخی از پناهجویان ایرانی مقیم ترکیه جهت تائید در کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل نامه تأییدیه از بنی‌صدر بگیرد. برخی افرادی که شیرین نجفی با آنان در ارتباط بود گفته‌اند که طی این سال‌ها هیچ‌کس نه کارت شناسائی نه کارت اقامت نه پاسپورت نه شناسنامه نه کارت پناجویی و نه هیچ مدرک شناسائی دیگری از شیرین نجفی ندیده است. هر وقت هم برخی از افراد از او برگه شناسائی پناجویی و اسم واقعی‌اش را طلب می‌کردند، وی تصویر فتوشاپی در صفحه گوشی تلفن همراه خود به آنان نشان می‌داد که در آن، اسمی تحت عنوان شیرین نجفی همراه با عکس او با سربرگ کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل وجود داشتو او با این تصویر فتوشاپ ثابت می‌کرد که هم نام او شیرین نجفی است و هم واقعا پناهنده رسمی در کمیساریای عالی پناهندگان است.

نکته جالب‌تر آن است که تمامی مراودات مالی شیرین نجفی و دریافت مبالغ از سازمان‌های مختلف از جمله حقوق بشری که برای او ارسال می‌شد همگی با نام «محمد باقر مرادی» صورت می‌گرفت و آن‌ها با هم هم‌خانه بودند. محمد باقر مرادی از نزدیکان خزعلی است.

یکی از تخصص‌ها و شگردهای ویژه شیرین نجفی تربیت نیروی انسانی بود به این ترتیب که او بسیاری از افراد ورشکسته و چک برگشتی و دزد و سارق و کلاهبردار و بدهکاران و فراریان از اختلاف‌های خانوادگی که به دلیل مسائل مالی و مشکلات اجتماعی از ایران گریخته و وارد ترکیه شده بودند تا با تشکیل پرونده پناجویی و ارائه کیس تقلبی راهی کشورهای دیگر شوند، پس از نوشتن داستان‌های غیرواقعی و ساختن کیس‌های تقلبی برای آنان، از آن‌ها یک فعال سیاسی و حقوق بشری درست می‌کرد و با معرفی آن‌ها به فعالان سیاسی طیف‌های مختلف سیاسی اجتماعی،



و بعضا ترتیب دادن مصاحبه با برخی رسانه‌ها و انعکاس خبر آنان در سایت‌های خبری، به عنوان زیر مجموعه سیاهی لشکر خود از آن‌ها استفاده می‌کرد. این افراد به جمع سیاهی لشکر شیرین نجفی می‌پیوستند، افرادی که احتمالا تا قبل از ورود به ترکیه با الفبای سیاست و حقوق بشر ادا آشنائی نداشتند اما در ترکیه با تلاش شیرین نجفی به تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان تبدیل می‌شدند.

شیرین نجفی برای متنوع کردن افراد زیر مجموعه خود، بعضا اهالی هنر و موسیقی را هم به اصحاب و یاران خود می‌افزود و در مواردی که امکان فعالیت‌های درآمدزا برای برخی از آنان وجود نداشت، ضمن پخش آثار آنان در فضای مجازی برای مشهور شدن و هر چه بیش‌تر آن‌ها، بعضا مبلغی هم ماهیانه به این افراد پرداخت می‌کرد.

از فعالیت‌های دیگر شیرین نجفی توسل به سحر و جادو و پیش‌گویی آینده ایرانیان ساکن در ترکیه بود. او برخی از خانم‌های آشنا به این حرفه را با خود همراه می‌کرد و آنان را نزد افراد متقاضی می‌فرستاد. از او نقل قول شده که مدهی بود او توانسته تا کنون موانع سر راه و دشمنان خود را با توسل به این روش‌ها از مسیر خویش بردارد.

موجودی مالی شیرین نجفی همیشه بالا بود و همواره انواع ارزها را در کیف خود داشت، او بعضا مبالغ کلانی به بعضی از پناهجویان و فعالان و زندانیان سیاسی و حقوق بشری در داخل ایران و ترکیه پرداخت می‌کرد. در یک مورد مشاهده شده بود که او بالغ بر بیست هزار دالر هزینه عمل جراحی یکی از پناهجویان را در یکی از بیمارستان‌های خصوصی ترکیه پرداخت کرده است و در مورد دیگری به یکی از زندانیان سیاسی که پس از آزادی موقت از زندان به دلیل گرو گذاشتن وثیقه منزل در دادگاه، امکان خروج از کشور را نداشت پیشنهاد پرداخت دویست میلیون تومان برای تبدیل وثیقه ملکی به وثیقه نقدی را داده بود.

شیرین نجفی ادعا می‌کرد که ماهیانه چندین میلیون توسط همسر سابقش یعنی محمد امین باقری برای او ارسال می‌شود در حالی که او سال‌ها پیش از او جدا شده بود. حتی تنها دخترش نیز در کنار او در ترکیه زندگی نمی‌کرد.

به این ترتیب و با توجه به داده‌های بالا می‌توان احتمال داد شیرین نجفی یکی از کادرهای برجسته و حرفه‌ای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران و به نوعی می‌توان گفت شیرین نجفی یک «بانک اطلاعات و کامپیوتر متحرک» جمهوری اسلامی باشد که اطلاعات دقیقی از بسیاری فعالان سیاسی و اجتماعی و حقوق بشری را در آرشیو و ذهن خود دارد. او علاوه بر آن که اطلاعات دقیقی از مدیران ارشد و رده بالای حکومت و وضعیت خانوادگی و فرزندان آنان دارد، حتی از مدیران میانی و متوسط و رده پائین‌تر که در میان عموم هم مشهور نیستند اطلاعات دقیقی دارد. گفته می‌شود که نجفی حتی آدرس منزل فعلی و قبلی و حتی دهه‌های قبل برخی از مسؤولان و فعالان سیاسی را می‌داند و از تمامی فعالیت‌های گذشته و حال آن‌ها در کشورهای اروپائی و امریکا و کانادا و استرالیا اطلاع دقیق دارد، و از تعداد فرزندان و دامادها و عروس‌ها و نوه‌ها و نحوه تعامل خانواده‌ها با هم اتفاق افتاده به طور کامل مطلع است.

به این ترتیب روح‌الله زم از نزدیک و با حضور شیرین نجفی در کنار خود مستقیما و لحظه به لحظه در تور امنیتی وزارت اطلاعات و سپاه جمهوری اسلامی ایران بود.

گفته شده است که احتمالا روح‌الله زم نه عامل سرویس‌های «بیگانه» بود، نه عامل دستگاه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران و نه تبحر چندانی در روزنامه‌نگاری داشت. تنها توانائی او ابتدا راه‌اندختن یک سایت بود که بعدا با اضافه شدن کانال تلگرامی به آن، گسترش یافت و اطلاعاتی که از درون حکومت از طریق شیرین نجفی و یا کانال‌های اطلاعاتی دیگر به دست او می‌رسید بیش‌تر کانال تلگرامی آمدنیوز معروف شد.

بعد از دستگیری روح‌الله زم سایت تخصصی در امور جاسوسی و اطلاعاتی، اینتل نیوز، در مطالبی عنوان نمود که جمهوری اسلامی ایران برای کشتاندن وی به عراق و سپس دستگیری؛ ممکن است از تله پرستو استفاده کرده است. این وبسایت به گزارش روزنامه تایمز چاپ لندن اشاره کرده که چنین عنوان نموده است:

«روح‌الله زم مدت ۲ سال است که با خانمی رابطه داشته است، و سپس این خانم وی را متقاعد نموده تا به اردن و سپس عراق مسافرت کند و با آیت‌الله سیستانی ملاقات کند. در نهایت زم در عراق دستگیر و به ایران منتقل گردید. این امر گویای یک عملیات اطلاعاتی طولانی مدت است گرچه تاکنون مشخص نشده زم با زن مجهول‌الهویه مذکور رابطه عاطفی داشته است.»

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران از پرستو علاوه بر ایرانی‌ها برای به دام انداختن اتباع سایر کشورها نیز استفاده می‌کند تا اطلاعاتی در زمینه های مختلف کسب کند.

خبرگزاری رویترز در ژوئیه ۲۰۱۷ خبری مبنی بر این‌که هکرهای احتمالا سازمان داده شده توسط جمهوری اسلامی ایران از تله جنسی یا پرستو برای نفوذ در میان صاحبان صنایع استراتژیک استفاده می‌کنند. آنان خانمی به اسم «میا اش» را در شبکه‌های اجتماعی مأمور کرده اند تا در میان افراد مختلف نفوذ کرده و اطلاعات جمع آوری کند.

او خود را عکاس معرفی کرده و برای قربانیان خود فرم نظرسنجی ارسال می‌کند که با باز شدن آن، اطلاعات و محتویات کامپیوتر او را به سرقت می‌برد. این گزارش می‌افزاید قربانیان خانم میا اش غالباً مردان میان سال شاغل در رده‌های بالای صنایع نفت و گاز، هوافضا و ارتباطات بوده که عمدتاً از کشورهای نظیر هند، اسرائیل، سعودی و امریکا هستند.

همچنین برخی منابع خبری در مورد دخیل بودن پرستوها در موضوع مسافرت وزیر شیلات ناروی به همراه خانم بهاره لنتس به ایران گمانه‌زنی کرده و احتمال داده‌اند که این خانم از سوی جمهوری اسلامی ایران سازماندهی شده است.

وزیر شیلات ناروی، در تابستان ۲۰۱۸ به همراه یک خانم ایرانی به نام بهاره لنتس به ایران مسافرت می‌کند و در طی اقامتش در ایران، تلفن همراه وی از سوی نهادهای امنیتی ایران هک و اطلاعات آن به سرقت می‌رود، وی نهایتاً به دلیل این حادثه مجبور به استعفا می‌شود.

سایت ایران ما با منتشر کردن اظهارات علی یونسی مبنی بر عدم استفاده از پرستو در نهادهای امنیتی ایران می‌نویسد: «در جریان سفر وزیر شیلات ناروی به ایران، نقش پرستو بهاره لنتس به خوبی مشخص بود. بهاره ناگهان در زندگی وزیر شیلات ناروی ظاهر شد و او را به ایران کشتاند و تمام اطلاعات تلفن همراهش را تخلیه کردند، وی در نهایت ناگزیر شد استعفا بدهد.»

محمدعلی نجفی نخستین مقام ارشد جمهوری اسلامی نیست که متهم به قتل می‌شود، اما حضور عجیب او در برابر خبرنگاران و اعتراف صریح او به قتل، این پرونده را به یکی از جنجالی‌ترین ماجراهای سیاسی-جنائی ایران تبدیل کرده بود. ماجرائی که با وجود شفافیت ظاهری آن، نکات نامکشوف و مبهم زیادی دارد. از جمله این که آیا پای «پرستو» در این پرونده در میان است؟

مدت‌هاست که محمدعلی نجفی از زندان آزاد شده است اما او «پرستو» اش را برای همیشه به زیر خاک فرستاده است. تاکنون نمونه‌های مختلفی از به کارگیری این روش توسط دستگاه‌های جاسوسی کشورهای مختلف دنیا گزارش شده است. در جمهوری اسلامی نیز به دلیل محدودیت و ممنوعیت روابط خارج از ازدواج، این شیوه به روشی مناسب برای بهره‌برداری دستگاه‌های اطلاعاتی امنیتی تبدیل شده است.

پیش از این عبدالله ناصری، مشاور سیدمحمد خاتمی رئیس جمهوری پیشین ایران آشکارا به مسأله پرستوها اشاره کرده و گفته که مقامات مختلفی در این تله افتاده‌اند. ناصری با اشاره به وجود تله‌های جنسی به وبسایت انصاف نیوز گفته بود اجازه شرعی ازدواج دوم و سایر «روش‌های مباح شرعی» (از جمله صیغه) باعث استفاده دستگاه امنیتی برای فشار به سیاستمداران در ایران می‌شود.

رئیس خبرگزاری جمهوری اسلامی در دولت شیخ خاتمی گفته بود: «سید محمدخاتمی و وزارت اطلاعات دولت او چندین بار با چنین مسأله‌ای مواجه شده‌اند اما «بدون اینکه مسأله را رسانه‌ای کند و یا با آبروی فرد بازی کند، فرد را احضار می‌کردند و یا به حضورش می‌رفتند - بسته به موقعیت و جایگاه شخص - و او را بر حذر می‌داشتند.»

پیش از این درباره استعفای محمدعلی نجفی از شهرداری تهران با توجه به انتشار عکس‌های خصوصی با همسر دومش چنین احتمالی داده می‌شد اما حالا نجفی هم به صراحت عنوان کرده که میترا استاد با نهادهای امنیتی در ارتباط بوده است.

اما «دستیار ویژه وزیر اطلاعات» در گفت‌وگو با ایسنا عنوان کرده که همسر مقتول محمدعلی نجفی ارتباطی با این وزارتخانه نداشته اما وزارت اطلاعات تنها دستگاه امنیتی اطلاعاتی در ایران نیست و اساسا سازمان اطلاعات سپاه پاسداران بیش از وزارت اطلاعات برای استفاده از پرستوها در مظان اتهام است.

برخی اخبار و گزارشات حاکی از آن است که اطلاعات سپاه به ریاست حسین طائب - که به اطلاعات موازی هم مشهور است - از این روش به طور ویژه در مقابل دولت حسن روحانی استفاده کرده است.

استعفای علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت روحانی نیز به پروژه پرستوی اطلاعات سپاه منتسب شده است. پیش از او نیز یک وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دیگر به دلیل افشای ازدواج دوم تحت فشار قرار گرفت؛ هرچند در آن زمان حرفی از ارتباط با دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی در میان نبود. با این حال عطاءالله مهاجرانی، وزیر دولت خاتمی و چهره مورد تأیید رهبر جمهوری اسلامی پس از افشا شدن ازدواج موقتش و شکایت همسر دوم، بازداشت شد و در نهایت ترجیح داد تا با سکونت در لندن، همچنان به دفاع از آیت‌الله علی خامنه‌ای بپردازد.

نکته جالب این که نجفی و مهاجرانی هر دو از اعضای ارشد حزب کارگزاران سازندگی، جریان حامی اکبر هاشمی رفسنجانی بوده‌اند و علی جنتی هم به گروه حامیان رفسنجانی تعلق داشت.

«محمد سرفراز» رئیس سابق صدا و سیما در صفحه توئیتر خود خطاب به غلامعلی حداد عادل رئیس فرهنگستان هنر و ادب فارسی و یکی از نزدیکان رهبر جمهوری اسلامی نوشته بود: «از آنجا که یک منصوب شما خواست مثلا عملیات روانی برایم راه بیندازد، بدانید یک «پرستونما» به نام م-ا سراغ من آمده بود ولی سر آن‌ها به سنگ خورد.»

اصطلاح پرستو به تازگی وارد ادبیات سیاسی ایران نشده است از این رو کاربردش جدید نیست و حتی سابقه آن به دستگاه امنیتی حکومت پهلوی برمی‌گردد.

پرویز ثابتی، مسئول امنیت داخلی ساواک در کتاب خود با عنوان «در دامگه حادثه»، شرح داده است که ساواک زنانی را مسئول ارتباط با برخی از آخوندها از جمله محمد تقی فلسفی، جعفر شجونی، محمود قمی و محمد صادق لواسانی کرده بود.

در این کتاب آمده که یکی از این زنان از خود استعداد بیش‌تری نشان داد و با ساختن داستانی این آخوندها را به خانه خود، که در اصل خانه امنیتی ساواک بود، کشاند. به نوشته ثابتی، این زن که به بهانه طرح مسأله شرعی به این آخوندها نزدیک شده بود به آن‌ها گفته بود که همسرش به او نزدیک نمی‌شود و ماه‌ها در سفر است، در حالیکه او آتشین مزاج است و نمی‌داند نیاز خود را چگونه رفع کند.

در نتیجه عکس‌هائی از رابطه جنسی این زن و محمد تقی فلسفی، واعظ به نام تهران و از آخوندهای مورد اعتماد آیت‌الله خمینی تهیه و منتشر شده است.

در دنیای جاسوسی شیوه‌های مختلفی برای به دام انداختن، وادار نمودن به همکاری و یا سکوت، ترور اخلاقی و غیره علیه مخالفان، مسئولان و یا حتی اشخاص عادی صاحب نفوذ از لحاظ اجتماعی، سیاسی از سوی سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی به کار گرفته می‌شود.

به این ترتیب در جمهوری اسلامی ایران، طی بیش از ۴ دهه گذشته روش‌های مختلفی برای رویارویی با مخالفان اتخاذ شده که از جمله مشهورترین آن‌ها «پرستوها» هستند. این اصطلاح به زنانی اطلاق می‌شود که از سوی نهادهای امنیتی بر سر راه فعالان سیاسی مخالف و یا کلا اشخاص مورد نظر قرار داده می‌شوند تا از طریق برقراری روابط عاطفی و جنسی آن‌ها را به دام انداخته و مدارک و شواهدی جمع‌آوری کند که بعدها بتوان از آن‌ها علیه او استفاده کرد به نحوی که وادار شود با وجود میل خود و صرفاً جهت جلوگیری از آبروریزی اخلاقی اقداماتی را انجام دهد.

در ایران، بحث پرستو بعد از ماجرای پرونده قتل همسر محمدعلی نجفی، شهردار سابق تهران، به طور جدی مطرح شد. او ادعا نمود که همسرش با نهادهای امنیتی رابطه داشت، اما وزارت اطلاعات این موضوع را انکار کرد. این موضوع سبب شد تا برخی مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران در این زمینه اظهار نظر کنند و در برخی موارد از تجربیات خود در برخورد با این پدیده سخن بگویند.

در پی مطرح شدن ماجرای پرونده قتل همسر محمدعلی نجفی و رابطه وی با وزارت اطلاعات؛ مهدی کواکبیان نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در تویتر خود چنین نوشت:

«همه سیاستمداران باید مراقب رفتار خویش باشند و اگر گفته شود مخالفان شهردار اسبق تهران (به‌خاطر افشاکاری علیه قالیباف) از تله اخلاقی استفاده کرده‌اند. هرچند چنین ادعائی را در کمیسیون امنیت ملی مجلس پیگیری می‌کنم اما اگر آشیانه‌ای وجود نداشته باشد به کارگیری هر پرستویی بی‌فایده خواهد بود.»

پیش‌تر نیز محمد سرفراز خطاب به حداد عادل نوشته بود: «بیک پرستونما به نام م-ا سراغ من آمده بود ولی سر آن‌ها به سنگ خورد.» او در این تویت از حسین طائب رئیس اطلاعات سپاه نیز انتقاد کرده است.

اما علی مطهری نماینده جنجالی وقت تهران در مجلس شورای اسلامی با بیان مطالبی در اینستاگرام، در مورد استفاده از پرستو یا تله عاطفی - جنسی به نحوی سخن به میان آورده که گویا آن پدیده‌ای رایج در جمهوری اسلامی است، وی در این رابطه تصریح نمود:

«از اخبار رسیده و خصوصاً سخنان خود آقای نجفی معلوم شد که افرادی در کشور پرستوهائی دارند که گاهی برگرد سیاسیونی که منتقد یا مخالف به شمار می‌روند به پرواز درمی‌آورند و آن‌گاه فیلم و عکس تهیه می‌کنند برای بستن دهان او و حذف وی از صحنه سیاست، غافل از این که اگر این روش‌ها در دنیا مرسوم و رایج است و مجاز شمرده می‌شود، برای یک مسلمان مجاز نیست بلکه حرام است.»

این گفته‌ها در حالی‌ست که برخی کارشناسان آگاه معتقدند «پرستوها در ایران خودشان قربانی سازمان‌های اطلاعاتی هستند و از روی اجبار وارد بازی می‌شوند.»

این موضوع در دوره وزارت علی فلاحیان گسترش بیشتری پیدا کرد و بعد از آن نمود بیشتری یافت.

از روش‌های انتخاب پرستو مراکز مددکاری و آسیب‌های اجتماعی، حمایتی، روان‌شناسی، امور اجتماعی و مذهبی و یا جوانان است که زیر نظر وزارت اطلاعات فعالیت دارند. بیش‌ترین تمرکز پروژه پرستو سازی در حوزه آسیب‌های اجتماعی و حمایتی است زیرا بالاترین تعداد گزینه‌های پرستو و زنان آسیب‌پذیر که به راحتی به خدمت گرفته می‌شوند

در این حوزه‌هاست. بنابراین جاسوسی‌های کثیف وزارت اطلاعات از طریق زنان اطلاعاتی با کد پرستو از دیرباز مورد توجه وزارت اطلاعات بوده است.

حکومتی که برای بیرون بودن موی زنان از روسری آن‌ها را با عوامل خود به راحتی در خیابان سرکوب می‌کند، اما استفاده ابزاری از آنان را برای کسب اطلاعات با کثیف‌ترین شیوه‌های جنسی جایز می‌داند.

به نظر می‌رسد پرستوها را سه دسته باشند؛ نوع اول خانم‌هایی که عضو یک سازمان اطلاعاتی هستند و آموزش هم دیده‌اند، نوع دوم، زنانی هستند که مأمور اطلاعاتی نیستند اما به طریقی در دام اطلاعاتی افتاده و با هدف، به فعالین سیاسی مخالف حکومت نزدیک می‌شوند، نوع سوم پرستوها زنانی هستند که نه مأمور اطلاعاتی هستند و نه با هدف توطئه کردن وارد زندگی فرد می‌شوند، بلکه یک سرویس اطلاعاتی با کنترل زندگی آن‌ها و رفت‌وآمدهایشان به این رابطه پی می‌برد و در واقع آن زن را تحت فشار قرار می‌دهد. بنابراین نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران از هر کدام به‌صورتی استفاده می‌کند.

در حکومتی که هیچ معیار اخلاقی و انسانی وجود ندارد، شگرد موسوم به پرستو، شیوه‌ای برای کسب اطلاعات است و آن‌ها برای تامین منافع حکومت‌شان از آن‌ها سوءاستفاده می‌کنند. در حکومت اسلامی که مبتنی بر احکام شریعت و اسلام است، پهن کردن این نوع دام‌ها و رسیدن به اهداف کاملاً مجاز شناخته شده است. سران و پم مقامات و نهادهای سیاسی و نظامی و قضائی جمهوری اسلامی ایران، هر آنچه که منافع ایدئولوژیک و مصالح حکومت‌شان را تامین کند کاملاً «مجاز و شرعی و قانونی» می‌دانند.

در واقع جمهوری اسلامی از هر ابزاری به نفع خود استفاده می‌کند. جامعه ما در بیش از چهار دهه گذشته تجارب بسیار تلخی را از سر گذرانده است. از کشتارهای سال‌های نخست تا سال شصت، تحمیل حجاب اجباری بر زنان، حمله به کردستان، ترکم صحرا، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کشتارهای ۶۰ تا ۶۲، هشت جنگ، کشتار دسته‌جمعی هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷ با فرمان خمینی، ترورهای دوران رفسنجانی و فلاحیان، حمله به کوی دانشگاه، اسیدپاشی به صورت ده‌ها زن در خیابان‌ها، قتل‌های زنجیره‌ای، اعدام‌ها و ترورهای سال‌های اخیر و اکنون خطر جنگ و قحطی و گرسنگی و آلودگی هوا و غیره.

لازم به ذکر است که همه عناصر و مقامات مهم جمهوری اسلامی در تجاوز و شکنجه و اعدام و کشتن و جاسوسی نقش داشتند. برای نمونه علی ربیعی که یونسی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در دولت ریاست جمهوری محمد خاتمی نقش مهم او را در وزارت بدنام یادآوری کرده، در دولت نخست شیخ روحانی وزیر کار بود و هم‌اکنون در دولت دوم او سخنگوی دولت است.

عبدالله شهبازی از همکاران علی ربیعی یا اسم مستعار عباد می‌گوید: وی برایم در قالب طنز تعریف می‌کرد که قرار بوده تعدادی زندانی سیاسی آذربایجانی را از آستارا به گیلان منتقل، اما چون نیرو نداشتند، ۱۸ زندانی سیاسی با دخالت مستقیم ربیعی، را در تابوت گذاشته و در تابوت‌ها را نیز میخ نمودند.

هنگامی که در جعبه‌ها را در مقصد باز کردند تمامی ۱۸ جوان ترک آذربایجانی از شدت خفگی کشته شده بودند. (سایت عبدالله شهبازی)

فاطمه قائم مقامی، مهسا یوسفی، کاملیا انتخابی‌فرد، آزاده اردکانی، آفرین چیت‌ساز، مریم ابراهیموند، شهرزاد میرقلی‌خان و اکنون میترا استاد. این نام زنان جوان و جذابی است که در دهه‌های گذشته در کنار نام اهالی سیاست مطرح و حاشیه ساز شده‌اند. البته بی‌شک موارد بسیار دیگری نیز وجود داشته که به دلایل پیدا و پنهان، در سکوت هراس‌انگیز تاریک‌خانه‌ها خفه و فراموش شده است. سرنوشت تلخ میترا استاد تنها با آنچه بر سر فاطمه قائم مقامی آمد

قابل مقایسه است، اما بازتاب رسانه‌ای و واکنش انفجاری و بهت‌آلود افکار عمومی، تراژدی او را چنان پربانگ کرده که بی‌شک تا سالیان دراز فراموش نخواهد شد و شاید برای خیلی‌ها نیز عبرت‌انگیز باشد.

قدیمی‌ترین نمونه از این دست، عبدالمجید معادیخواه، حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب و وزیر ارشاد سال‌های آغازین دهه ۶۰ بود که بخاطر ماجرائی که هر چند ابعاد کامل آن هیچگاه روشن نشد به یکباره از صحنه سیاست حذف و به انزوای کار پژوهشی رانده شد. در لابلای سطور روزنوشت‌های هاشمی اطلاعاتی قطرچکانی در این مورد وجود دارد که با کنار هم گذاشتن آن با رخدادهای و شواهد دیگر می‌توان به تصویری کلی از ماجرا دست پیدا کرد.

مشهورترین مورد بعدی، عطاءالله مهاجرانی کارگزار صاحب‌قلم دولت هاشمی رفسنجانی و وزیر ارشاد محمد خاتمی بود که در مقطعی، در بورس بود. اگر همه چیز بی‌اشکال پیش می‌رفت بی‌شک مهاجرانی بهترین گزینه اصلاح‌طلبان برای شرکت در انتخابات ۸۴ و جانشینی خاتمی به شمار می‌رفت، اما رسوائی اخلاقی ناشی از رابطه و ازدواج پنهانی او با دختر جوانی به نام مهسا یوسفی تبدیل به پاس‌گل به حریف شد و جریان اصلاحات را در بزنگاه ۸۴ با خلأی بزرگ مواجه کرد. در حقیقت سرنوشت و مواضع کنونی مهاجرانی را باید با در نظر گرفتن این متغیر کلیدی تحلیل کرد.

سید عطاءالله مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دوره ریاست جمهوری خاتمی پس از کشته شدن پاسدار قاسم سلیمانی در تونیتی به توجه حاج قاسم به کتاب «حاج آخوند» اشاره کرده و در ادامه به سفرش به زینبیه می‌پردازد که جالب و خواندنی است: «... مهر ۹۷ بیروت بودم. محرم بود و دل در زیارت زینبیه و ابن عربی و جرج جرداق داشتم، اگر می‌شد! حکایت پیام حاج قاسم در ذهنم بود، به دوستی که اهلیت تمام داشت، گفتم کاش در این محرم زینبیه می‌رفتیم. به لطف سردار سلیمانی سفر ما، که نامش را سفر آسمانی گذاشتم انجام شد، شبانه به زینبیه رفتیم و نماز صبح به مرقد ابن عربی و بعد به مرجع عیون جرج جرداق! دو شبانه روز از شوق، ساعتی بیشتر خوابیدم، فیلم به وقت شام را هم همان وقت در شام دیدم. آن پیام و سامان آن سفر، برایم خاطره‌ای معطر شد. هرگز نقش تو از لوح دل و جان نرود. رحمت و رضوان خداوند بر سردار رشید و شهید، قهرمان ملی ایران و اسلام.»

در پایان می‌توانیم تاکید کنیم که نفوذ در درون رسانه‌ها و نهادها و سازمان‌ها و احزاب مخالف حاکمیت و اپوزیسیون در خارج از کشور توسط عوامل نفوذی یکی از اصلی‌ترین اهداف سیستم امنیتی در درون شبکه کودتا طراحی گردید. نفوذ در درون جریان‌های مخالف حاکمیت از همان نخستین ماه‌های به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی آغاز شده و سابقه‌های طولانی دارد. سیستم امنیتی این حکومت با روش‌های گوناگون، عوامل نفوذی خود را در درون جریان‌های مخالف خود و نیروهای سرنگونی‌طلب در داخل و خارج از کشور، جای داده است اما نفوذ در جریان‌های مخالف از سال ۱۳۸۸ به این سو افزایش یافته است. چرا که در آن سال دستگاه‌های امنیتی حکومت به دلیل درگیری شدید درونی جناح‌هایش آسیب دیده بودند و از سوی دیگر تعداد زیادی نیز به خارج کشور آمده بودند به همین دلیل حاکمیت نیاز داشت که نفوذی‌ها زیادی را راهی خارج کشور کند و یا از میان ناراضیانی که به خارج آمده بودند یارگیری کند. نفوذی‌ها قبل از اعزام به خارج آموزش‌های سیاسی و امنیتی و جاسوسی می‌بینند و حرفه‌ای هم عمل می‌کنند.

نیک روش دیگر نهادهای امنیتی - اطلاعاتی در خارج کشور شناسائی اعضای ضعیف سازمان‌های اپوزیسیون و سرمایه‌گذاری با تهدید و تطمیع و پول بر روی آن‌هاست. گاهی آن‌ها را از کشورهای غربی به ترکیه و ارمنستان و آذربایجان و ... می‌کشاند و پس از این که آموزش‌های لازم را به آن‌ها یاد دادند مجدداً به کشور مقیم‌شان برمی‌گردانند تا حرفه‌ای‌تر و جدی‌تر برای جمهوری اسلامی جاسوسی کنند. به همین دلیل وظیفه اصلی آن‌ها، به وجود آوردن تخریب و اختلاف در درون سازمان‌ها، نهادها و بدنام کردن فعالین سیاسی و مارک زدن به آن‌ها، بهره‌برداری از اختلافات

خانوادگی و شناسائی و جمع‌آوری اطلاعات، و رساندن این اطلاعات از راه‌های مختلف و غیرمستقیم به نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی است.

بی‌تردید هر چه‌قدر بحران‌های جمهوری اسلامی عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌گردد سازمان‌ها و نهادها اطلاعاتی آن نیز برای ضربه‌زدن به مخالفین حکومت‌شان در داخل و خارج کشور فعال‌تر و وحشی‌تر وارد عمل می‌شوند تا با آفریدن رعب و وحشت شاید چند صباح دیگری حکومت‌شان را سرپا نگه دارند.

سه شنبه ۱۶ دی [جدی] ۱۳۹۹ - پنجم جنوری ۲۰۲۱